

فهرست



الدرس الأول

من الأشعار المنسوبة إلى الإمام عليّ (ع)
نعماني الخروب المشهدة بالبيّن ولا التلميح ليجنبي ٧

الدرس الثاني

الوجه النافع و الوجه القبيح (الحال) ٢٧

الدرس الثالث

ثلاث قبض قصيرة (الإستثناء و أسنوت الحمراء) ٣٧

الدرس الرابع

نظام الطبيعة (المنقول المطلق) ٧١

الدرس الخامس

يا إلهي (أسنوت النداء) ٩٠

جمع بيتي قواعد ١١٢

جمع بيتي رجمة ١١٦

آزموون های جامع ١١٧

باستخراجه ١٢٦



عربی
دوازدہم
انسانی

انتظارات
آموزشی

- آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:
- حروف مشبّهة بالفعل، را بشناسید و تأثیر آن‌ها را بر ظاهر و مفهوم جمله بدانید.
- معنای حروف مشبّهة بالفعل، را بدانید.
- تأثیر الیت، و لعلّ، را بر ترجمهٔ جمله و فعل‌های درون جمله بدانید.
- لای نفی جنس را بشناسید و بتوانید آن را از سایر انواع لای، تشخیص دهید.
- بدانید جمله‌ای که لای نفی جنس بر سر آن آمده است چگونه ترجمه می‌شود.

واژگان و مفاهیم

● فعل‌ها

ماضی	مضارع	مصدر	مثال
أَبْصَرَ	يُبْصِرُ	نگاه کردن، نگریشتن	دَوَاؤُكَ فَيْكُ و مَا تُبْصِرُ = داروی تو در توست و نمی‌بینی.
أَخَذَ	يَأْخُذُ (خُذُوا = بگیرید، امر)	گرفتن	خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ = حق را از اهل باطل بگیرید.
أَسْرَى	يُسْرِى	حرکت دادن	أَسْرَى بَعْدَهُ = بندماش را حرکت داد.
أَفْلَحَ	يُفْلِحُ	رستگار شدن	قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، = مؤمنان رستگار شده‌اند
أَمَاتَ	يُمِيتُ	میراندن	لَأُثْمِنُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ = قلب‌ها را با زیادی غذا نمیرانید.
الطَّوَى	يَطْطَوِي	به هم پیچیده شدن	و فَيْكِ النَّفْوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ = و در تو جهان بزرگ‌تر به هم پیچیده شد.
بَرَأَ	يُبْرِئُ	بی‌گناه شمردن	و مَا أُبْرِئُ نَفْسِي = و نفس خودم را بی‌گناه نمی‌شمارم
خَثَلَ	يَخْثُلُ	تحمیل کردن	رَبَّنَا و لَا تُخَثِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ = ای پروردگار ما، آنچه توانش را هیچ نداریم به ما تحمیل مکن.
زَعَمَ	يَزْعُمُ	گمان کردن	أَ تَزْعُمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ = آیا گمان می‌کنی که تو پیکری کوچک هستی؟
سَارَعَ	يُسَارِعُ	شتافتن، شتاب کردن	لَا تَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ، = کسانی که در کفر ورزیدن شتاب می‌کنند تو را ناراحت نکنند.
عَقَلَ	يَعْقِلُ	خردورزی کردن	لَقَدْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ، = امید است که شما خردورزی کنید.
كَانَ	يَكُونُ (كُونُوا = باشید، امر)	بودن	كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ = نقد کننده سخن باشید.

● اسم‌ها

عربی	فارسی	مثال
أَهْأَزَهُ	بسیار دستوردهنده	إِنَّ الشَّقْسَ لَأَهْأَزَهُ بِالشُّومِ، = بی‌شک نفس بسیار دستوردهنده به بدی است.
بَدَلٌ	جانشین	فَلَمْ يَبْلُغْ و لَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا = به دانشی سعادت‌مند شو و برای آن جانشینی مخواه.
بَعَثَ	رستاخیز، برانگیخته شدن	هَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ = این روز رستاخیز است.
جِزْمٌ	پیکر	أَ تَزْعُمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ؟ = آیا گمان می‌کنی که تو پیکری کوچک هستی؟
حَدِيدٌ	آهن	مَا خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ حَدِيدٍ = انسان از آهن آفریده نشده.
حَمْرَاءُ	فرمز (مذکر آن احمر)	رَأَيْتُ وَرْدَةً حَمْرَاءَ = گل قرمزی دیدم.
خَائِبٌ	فروتن	أَذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَائِعُونَ = کسانی که در نمازشان فروتن اند.
غَيْطٌ	نخ	الغَضَبُ غَيْطٌ أَيْتَشُ فِي الْجِسْمِ يَجْرِي فِيهِ الْجِسْمُ = عصب نفی سفید در بدن است که حس در آن جریان دارد.
الذَّاءُ	بیماری	دَوَاؤُكَ يَنْكُ و لَا تَشْفُرُ = بیماری تو از توست و نمی‌دانی.
يَبْوَى	به‌جز	هَلِ الْإِنْسَانُ يَبْوَى لَحْمٍ و عَظْمٍ و نَضَبٍ؟ = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان و عصب است؟
الطَّيْنُ / الطَّيْنَةُ	گل	خَلَقْنَا اللَّهَ مِنْ طَيْنَةٍ = خداوند ما را از گلی آفرید.
عَضْبٌ	پی، عصب	هَلِ الْإِنْسَانُ يَبْوَى لَحْمٍ و عَظْمٍ و عَضْبٍ؟ = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان و عصب است؟
فَقْطَارَةٌ	آبمیوه‌گیری	الْفَقْطَارَةُ آلَةٌ لِأَخْذِ الْمَاءِ مِنَ الْفَوَاكِهِ = آبمیوه‌گیری وسیله‌ای برای گرفتن آب از میوه‌هاست.
عَظْمٌ	استخوان	هَلِ الْإِنْسَانُ يَبْوَى لَحْمٍ و عَظْمٍ و عَضْبٍ؟ = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان، عصب است؟

عربی	فارسی	مثال
عَلَام	بسیار دانا، بسیار داننده	إِنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ = بی‌گمان، خداوند بسیار داننده ناهان‌هاست.
قرآن	قرآن کریم	إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيَّةً = بی‌گمان، ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم (بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم.)
لَحْم	گوشت	هَلْ الْإِنْسَانُ يَشْكُرُ لَحْمًا وَعَظْمًا؟ = آیا انسان چیزی به‌جز گوشت و استخوان، عصب است؟
مَوْجِلٌ	رسانا	كُلُّ عُنْتَصِرٍ فِلْزَيْقٍ مُؤَسِّلٌ لِلخَرَاةِ وَالتَّهْرِبَةِ = هر عنصر فلزی رسانایی است برای گرما و برق.
فَلْتَذَةُ	مایه تباهی	إِنَّ الْغَضَبَ فَلْتَذَةٌ = بی‌گمان، خشم مایه تباهی است.
الْحَاسِ	مس	تَسْتَعْمِلُ النُّعْمَانَ لِاتِّفَالِ تِيَارِ الكَهْرِبَاءِ = از مس برای انتقال جریان برق استفاده می‌کنیم.

اصطلاحات

اصطلاح	معنی	اصطلاح	معنی
بیتانُ فرصوص	ساختمانی استوار	ما یلی	آن‌چه می‌آید.
كُلُّهُمْ بِيْتَانٌ فَرُوصٌ = انکار آن‌ها همچون ساختمانی استوار هستند.		إِهْلَاؤُ الفِرَاقِ فِي مَا يَلِي = جای خالی را در آن‌چه می‌آید، پر کن.	
لا زَيْبَ فِيهِ	هیچ شکی در آن نیست		
ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا زَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ = آن کتاب، هیچ شکی در آن نیست. هدایتی برای پرهیزگاران است.			

مترادف

کلمه	معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف
أضواء	روشنایی داد	آنار	سوی	به‌جز	إِلَّا
الذَّاء	بیماری	القرض	الشَّفاء	سلامتی	الشَّحَّة
زَعَمَ	گمان کرد	ظَنُّ			

متضادها

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
أحياء	زندگان	موتی	طویل	طولانی	قصیر
الذَّاء	بیماری	الشَّفاء، الشَّحَّة			

مفرد و جمعها

مفرد	معنی	جمع	مفرد	معنی	جمع
الْبَيْدَال	جانشین	الأبدال	العظم	استخوان	العیظام
الجزم	پیکر	الأجرام	الثَّقْو	همتا	الأثماء
العصب	پی، عصب	الأعصاب	اللم	دهان	الأفواه

مصدرها

مصدر	معنی	ماضی	مضارع	مصدر	معنی	ماضی	مضارع
الأخذ	گرفتن	أخَذَ	يأخُذُ	الجفل	قرار دادن	جَفَلَ	يَجفَلُ
التفت	برانگیختن	تَفَتَّ	يَتَفَعَّتُ	الكتمان	پوشاندن	كَتَمَ	يَكْتُمُ
البتاء	گریه کردن	بَكَى	يَبْكِي	التكون	بودن	كَانَ	يَكُونُ

گزیده جملات مفهومی

فِيْمَا كُلُّ نَفْسٍ مَّا يُعْمَلُ	ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد.
ذَوُؤُكُم لِيكُم مَّا يُبَيِّرُ وَ ذَوُؤُكُم لِيكُم وَ لَا تَشْفَعُ	دوای تو در نوست و نمی‌بینی، و درد تو از نوست و احساس نمی‌کنی.
النَّاسُ نَوْتِي وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ	مردم مردمانند و اهل علم زنده‌اند.
إِنَّمَا النَّفْسُ لِعَمَلٍ ثَابِتَةٍ وَ حَيَاءٌ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ	افتخار فقط به عقل ثابت و حیا و پاکدامنی و ادب است.
إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْنِي عَنِ الْمُحْسِنِينَ	بی‌گمان، خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.
لَا كُنْزٌ أَعْنَى مِنَ النَّفَاةِ.	هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از فناخت نیست.

هیچ چیز بهتر از بخشش در زمان نیرومندی نیست.	لا شيء أحسن من العفو عند القدرة
هیچ جهادی مانند جهاد [علیه] نفس نیست.	لا جهاد كجهاد النفس
هیچ خیری در سخن نیست، مگر همراه با عمل.	لا خير في قولي إلا مع العمل
هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.	لا لباس أجمل من العافية
هیچ اکراهی در دین نیست.	لا إكراه في الدين
خداوند رحم نمی‌کند، به کسی که به مردم رحم نمی‌کند. (نکند)	لا يرحم الله من لا يرحم الناس
هیچ فقری شدیدتر از نادانی و هیچ عبادتی مانند تفکر نیست.	لا فقر أشد من الجهل ولا عبادة مثل التفكير

قواعد

حروف المشبهة بالفعل

«حروف مشبّهة بالفعل» حروف پرکاربردی هستند که بر سر جمله اسمیه می‌آیند و موجب تغییراتی در معنای جمله و ظاهر ابتدای جمله می‌شوند. به این صورت که حرکت حرف آخر مبتدا، با ذکر «حروف مشبّهة بالفعل» به «ت» یا «پ» یا «آ» تبدیل می‌شود.

مثال: التلميذُ مجتهدٌ ← إنّ التلميذَ مجتهدٌ.

«حروف مشبّهة بالفعل» عبارت‌اند از:

إِنَّ = قطعاً همانا (این حرف موجب تأکید جمله بعد از خودش می‌شود)

أَنَّ = که (موجب پیوند دو جمله می‌شود)

كَأَنَّ = گویی، مانند

لِئَلَّا = ولی (برای برطرف کردن ابهام جمله قبل و کامل کردن آن می‌آید)

لَيْتَ = کاش (گاهی به صورت، «یا آیت» دیده می‌شود)

لَعَلَّ = شاید امید است.

«اگر «لیت» یا «لعل» بر سر جمله‌ای بیایند که در آن فعل مضارع وجود دارد، فعل مضارع بر معنای مضارع التزامی دلالت می‌کند و اگر «لیت» بر سر جمله‌ای بیاید که در آن فعل ماضی وجود دارد، فعل ماضی می‌تواند بر معنای «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» در فارسی دلالت کند.

مثال: لیت هذا التلميذُ يتتبعُ عن الكسَلِ. («يتتبعُ»، فعل مضارعی است که به دلیل وجود «لیت» در ابتدای جمله بر مضارع التزامی دلالت می‌کند.)

لیت هذا التلميذُ يتتبعُ عن الكسَلِ. («يتتبعُ»، فعل ماضی است که به دلیل وجود «لیت» می‌تواند بر ماضی استمراری یا ماضی بعید دلالت کند.)

«حروف مشبّهة بالفعل» بر سر جمله اسمیه می‌آیند. در این صورت ابتدای جمله اسمیه، به عنوان اسم «حروف مشبّهة بالفعل» منصوب می‌شود ولی اعراب خبر تغییر نمی‌کند و همچنان مرفوع باقی می‌ماند.

مثال: مياءُ البحرِ هادئةٌ ← إنّ مياءَ البحرِ هادئةٌ

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع اسم إنّ منصوب خبر إنّ مرفوع

حرف نفي

«لا»ی نفی جنس، حرفی است که بر سر یک جمله اسمیه می‌آید که اسم ابتدای آن یک اسم نكرة بدون «ال» و «تتوین» است و در این صورت به جمله مفهوم «هیچ» نیست» می‌دهد.

مثال: لا فخرٌ كالجَهلِ. هیچ فقری مانند نادانی نیست.

اگر به ظاهر اسمی که بعد از «لا»ی نفی جنس قرار دارد توجه کنید، در می‌یابید که این اسم «ال» و «تتوین» ندارد و روی حرف آخر آن حرکت «فتحه» دیده می‌شود.

«لا»ی نفی جنس بر سر یک جمله اسمیه می‌آید که از مبتدا و خبر تشکیل شده است؛ ولی گاهی خبر این جمله حذف می‌شود. مثال: لا شكَّ، / لا إلهَ إلا الله.

در درس «پایه» با سایر انواع «لا» («لا» به معنای نه، «لا»ی نفی، «لا»ی نهی) آشنا شدید. دقت کنید که «لا»ی نفی و «لا»ی نهی هر دو بر سر فعل مضارع می‌آید؛ ولی «لا»ی نفی جنس، بر سر یک اسم بدون «ال» و «تتوین» می‌آید.

الفصل اول: تشخیص حروف مشبهة بالفعل و کاربرد آنها

روش پاسنگویی

- ابتدا لازم است این حروف را به خاطر بسپارید و بدانید که هریک چه کاربردی در جمله دارند.
- «إِنَّ» و «أَنَّ» را با «إِنَّ» یا «أَنَّ» اشتباه نگیرید. توجه کنید که «إِنَّ» و «أَنَّ» حروفی هستند که بر سر فعل می‌آیند در حالی که حروف مشبهة بالفعل بر سر جمله اسمیه می‌آیند. («إِنَّ» هرگز بر سر فعل نمی‌آید، ولی «إِنَّمَا» به معنی «فقط» می‌تواند، بر سر فعل هم بیاید.)
- به تفاوت «كَانَ» با «كَانَ» و همچنین «لَيْتَ» با «لَيْسَ» توجه کنید. (كان و ليس جزء افعال ناقصة هستند.)
- حرفی که موجب تأکید می‌شود: «إِنَّ» حرفی که دو جمله را ارتباط می‌دهد: «أَنَّ» حرفی که بیانگر آرزو (أمنية - تمنی) است «لَيْتَ» حرفی که بیانگر امید داشتن به انجام چیزی (ترجی) است: «لَعَلَّ» حرفی که برای بیان همانندی یا تشبیه است «كَانَ» و حرفی که به رفع ابهام از جمله پیش از خود کمک می‌کند. «لَكِنَّ» است.
- «لَيْتَ» در صورتی که بر سر فعل مضارع بیاید بیانگر مفهوم «آرزو» است؛ ولی اگر بر سر فعل ماضی بیاید می‌تواند دلالت بر «حسرت» داشته باشد.

مثال: عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا حَرْفٌ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ:

- 1) كَانَ إِرْضَاءً لِلنَّاسِ غَايَةً لِهَذَا الْفَاضِي.
- 2) عَلَى التَّلَامِيذِ أَنْ لَا يَخَافُوا مِنَ الْإِمْتِحَانَاتِ.
- 3) إِنَّ لِسَانَ فِي صِغَرِكَ فَعُو خَيْرٌ لَكَ.
- 4) كَانَ نِجَاحِي فِي السَّابِقَةِ غَايَةً لَا تُذْرَكُ.

پاسخ: سؤال «كَانَ» در گزینه ۴ از «حروف مشبهة» است؛ **معنی جمله:** «گویا موفقیت من در امتحان هدفی است که حاصل نمی‌شود» **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه ۱: «راضی کردن مردم هدفی برای این قاضی بود (است)» «كَانَ» در این جمله از افعال ناقصه است نه از «حروف مشبهة». گزینه ۲: «بر دانش‌آموزان واجب است که از امتحانات ترسند» «أَنَّ» در این جمله از «حروف مشبهة» نیست بلکه حرفی است که با آمدن بر سر فعل مضارع معنای مضارع التزامی ایجاد می‌کند. گزینه ۳: «اگر در کودکی تو صغرت فو خیرتر است» «لَكِنَّ» در این جمله حرف شرط است و از «حروف مشبهة» نیست. پس **گزینه چهارم** پاسخ است.

مثال: عَيْنُ جُمْلَةٍ لَيْسَ فِيهَا حَرْفٌ لِيَبَانَ الْأَمْنِيَّةُ أَوْ الْإِجَاهُ:

- 1) يَا لَيْتَنِي أَذَقْتُ لِيَزَارَةَ الْعَثَبَاتِ الْمُفْقَدَةَ مَرَّةً أُخْرَى.
- 2) لَعَلَّنِي أَنْجِعَ فِي هَذَا الْإِمْتِحَانِ لِأَنَّي قَدْ دَرَسْتُ جَيِّدًا.
- 3) لَا يَحَاوِلُ وَلَدِي كَثِيرًا، لَيْتَهُ يَصِلَ إِلَى هَدَفِهِ.
- 4) إِنَّ نَحْوَانُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى أَهْتِنَاتِنَا.

پاسخ: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرفی برای بیان «امید» (الْإِجَاهُ) و «آرزو» (الْأَمْنِيَّة) نیست. دو حرف «لَعَلَّ» و «لَيْتَ» برای بیان «امید و آرزو» هستند هیچ کدام از این حرف‌ها در گزینه ۴ وجود ندارند. دقت کنید کلمه «أَمْنِيَّة» در گزینه ۳ به معنی «آرزو» است ولی این جمله معنی امید و آرزو ندارد و یک جمله شرطی است. معنی جمله: «اگر زیاد تلاش کنی، به آرزویت می‌رسی» **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه ۱: «ای کاش یاری دیگر برای زیارت عتبات مقدس بروم» «لَيْتَ» در این جمله برای بیان «آرزو» است. گزینه ۲: «امید است در این امتحان موفق شوم، زیرا به خوبی درس خواندم» «لَعَلَّ» در این جمله برای بیان «امید» است. گزینه ۳: «پسرم خیلی تلاش نمی‌کند، ای کاش به هدفش برسد» «لَيْتَ» در این گزینه برای بیان «آرزو» است. پس **گزینه چهارم** پاسخ است.

الفصل دوم: تأثیر لیت، و لعل، بر فعل جمله

روش پاسنگویی

- «لَيْتَ» + فعل ماضی (معادل ماضی استمراری یا ماضی بعید)
- «لَيْتَ» یا «لَعَلَّ» + فعل مضارع (معادل مضارع التزامی)
- دقت کنید که علاوه بر فعل مضارعی که بعد از «لَيْتَ» یا «لَعَلَّ» بیاید موارد زیر نیز بر معنای مضارع التزامی دلالت می‌کنند:
 - فعل شرط
 - فعل مضارعی که بعد از حروف «أَنَّ» - «كَيْ» - «لَعَلَّ» و «لَيْتَ» باشد.
 - فعل مضارعی که در جمله توصیفی باشد به شرطی که پیش از این جمله نیز فعل مضارع آمده باشد.

مثال: عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا مُعَادِلٌ لِلْمَضَارِعِ الْإِتِّزَامِيَّةِ فِي الْفَارْسِيَّةِ:

- 1) لَعَلَّنِي أَنْجِعَ فِي الْإِمْتِحَانِ.
- 2) عَظَمْتُ أَنْ أَتَلَّمَ هَذَا الدَّرْسَ.
- 3) إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَغْتَضِبُ.
- 4) يَا لَيْتَنِي أَشَافِدُ صَدِيقِي فِي هَذَا الْيَوْمِ الْجَمِيلِ.

پاسخ: در گزینه‌های ۱ و ۴، «لَعَلَّ» و «لَيْتَ» موجب تغییر معنای فعل مضارع به مضارع التزامی می‌شوند. به معنای این دو جمله دقت کنید: «امید است در امتحان موفق شوم»، «ای کاش در این روز زیبا دوستم را مشاهده کنم» و در گزینه ۲، «أَنْ أَتَلَّمَ» که یاد بگیرم معادل مضارع التزامی است ولی در گزینه ۳، «إِنَّ» فقط موجب تأکید بر جمله می‌شود «بی‌گمان مؤمن عصبانی نمی‌شود» پس **گزینه سوم** صحیح است.

← الگو سوم: تشخیص اسم و غیر «حروف مشبهة بالفعل» و امربا آنها

رواقی یادگاری

- ابتدا بدون در نظر گرفتن «حروف مشبهة بالفعل»، ابتدا و خیر را در جمله تشخیص دهید.
- ابتدا به «اسم حروف مشبهة بالفعل» و «خیر» به «خیر» حروف مشبهة بالفعل تبدیل می‌شود.
- دقت کنید که اسم «حروف مشبهة بالفعل» منصوب شده باشد یعنی در آخرش یکی از این علامت‌ها دیده شود: «ـة، ـن، ـین، ـی» ولی «خیر حروف مشبهة بالفعل» مرفوع باشد؛ یعنی اگر یک اسم است در آخر آن یکی از علامت‌های «ـة، ـن، ـین، ـی» دیده شود.
- گاهی «خیر» حروف مشبهة بالفعل «جار و مجرور» و یا جمله‌ای است که با فعل یا اسم آغاز می‌شود.

مثال: مِّنَ الْخَطَا (في عمل الحروف المشبهة بالفعل).

- 1 تَأْنٍ إِرضاء الناس غاية لا تدرك.
- 2 لكن الحفرة قليلة العمق.
- 3 أعلم أن زينا علي كمل شيء قدير.
- 4 إن الطلاب المتجدون ناجحون.

پاسخ: در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ «إرضاء زین، الحفرة» اسم «حروف مشبهة بالفعل» و منصوب هستند و «غایه، قدير، قليلة» «خیر» حروف مشبهة بالفعل و مرفوع هستند ولی در گزینه ۴ «الطلاب» اسم حروف مشبهة بالفعل است و باید منصوب باشد نه مرفوع (الطلاب) و صفت آن یعنی «المتجدون» نیز باید مانند موصوف خود منصوب باشد، (المتجدون) پس گزینه چهارم صحیح است.

← الگو چهارم: تشخیص جمله فعلیه از اسمیه و تعیین تعداد جمله‌های یک مهاره

رواقی یادگاری

- برای تشخیص «لای» نفی جنس، به سایر انواع «لای» توجه کنید که:
- اگر بعد از «لای» فعل، جار و مجرور، اسم معرفه و اسم دارای تنوین قرار داشته باشد، این «لای» نفی جنس نیست، (بعد از لای نفی جنس، یک اسم نکره و بدون «ه» یا «نون» قرار می‌گیرد که حرف آخرش فتحه دارد).
- دقت کنید که گاهی بعد از «لای» نفی جنس، فقط یک اسم قرار دارد، زیرا خبر جمله بعد از «لای» گاهی حذف می‌شود.
- «لای» نفی جنس باید دربرگیرنده معنای «هیچ - نیست» باشد.

مثال: مِّنَ الْغَالِبَةِ لِلجنس.

- 1 لا تخزن لأن أبي يساعده.
- 2 لا يتناول الطفل هذا الطعام.
- 3 قال لي أستاذي، لا عبادة مثل الثغر.
- 4 أنت في المدرسة الآن؟ لا، أنا في البيت.

پاسخ: در گزینه ۱ و ۲ «لای» بر سر فعل مضارع آمده و به ترتیب «لای نهی» و «لای نفی» است (غمگین نباش، نمی‌خورد). و در گزینه ۳ «لای» به معنی «نه» در جواب «آیا» آمده است؛ ولی در گزینه ۴ «لای» بر سر یک اسم نکره که «ه» و «نون» هم ندارد آمده و معنای جمله به این صورت است: «هیچ عبادتی مانند ثغر نیست» پس گزینه دوم صحیح است.

ترجمه

- دانستن معنای «حروف مشبهة بالفعل» و تأثیری که روی مفهوم جمله می‌گذارند از موارد ضروری برای ترجمه صحیح جمله است. در این رابطه لازم است به موارد زیر توجه کنید:
- دقت کنید که ترجمه «إن» در فارسی خیلی ضروری نیست؛ یعنی اگر جمله‌ای از هر نظر درست ترجمه شده باشد ترجمه نکردن «إن» که یک تأکید است لزوماً غلط ترجمه‌ای محسوب نمی‌شود؛ یعنی فقط به این دلیل گزینه را رد نکنید.
- «إن» برای تأکید است؛ ولی «إنما» معادل «فقط» ترجمه می‌شود.
- تأثیر «لبت» و «لعل» بر معنای فعلی که پس از آن‌ها در جمله می‌آید، به این مثال‌ها توجه کنید:

أخي يتجخ في هذه المسابقة ← برادرم در این مسابقه پیروز می‌شود.

لبت أخي يتجخ في هذه المسابقة ← ای کاش برادرم در این مسابقه پیروز شود.

لعل أخي يتجخ في هذه المسابقة ← شاید برادرم در این مسابقه پیروز شود.

- همان‌طور که مشاهده می‌کنید با ذکر «لبت» و «لعل» فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

أخي تجخ في هذه المسابقة ← برادرم در این مسابقه پیروز شد.

لبت أخي تجخ في هذه المسابقة ← ای کاش برادرم در این مسابقه پیروز می‌شد (پیروز شده بود).

- با ذکر «لبت» فعل ماضی می‌تواند معادل ماضی استمراری یا ماضی بعید در فارسی ترجمه شود. در این رابطه، توجه به سیاق عبارت و روان بودن ترجمه ضروری است.

اگر با جمله‌ای روبه‌رو شوید که در آن «لا» بر سر یک اسم نکره و مفتوح آمده است می‌توانید حدس بزنید که این جمله با «لاهی نفی جنس آغاز شده است» در این صورت، چنین جمله‌ای را می‌توانید معادلی «هیچ - نیست» ترجمه کنید.

لا طعام فی بیتنا. (هیچ غذایی در خانه ما نیست.)

در ترجمه چنین جملاتی، می‌توان کلمه «هیچ» را ذکر نکرد، ولی ذکر اسمی که بعد از «لا» آمده است، به همراه «یا» نکره در فارسی ضروری است. (غذایی در خانه ما نیست.)

تهرین تسته

واژگان و مفاهیم

- عین الخطأ عن الترادف و التضاد^۱
 - سوی - غیر / نقص = زلا
 - یوم البعث - یوم القیامة / ساقط = أغان
 - عین الصحیح حسب التوضیحات:
 - لیت ناصرأ ابتعد عن الكسل. (متضاد: القرب)
 - قیمة كل امری بأعماله الحسنة. (مترادف: التمام)
 - عین العبارة ما جاء فیها المتضاد،
 - فكسر یعلم و لا تكلس به بدلا
 - أترعم أنك جرم صغیر
 - بل تراهم خلفوا من طینة
 - التاس من جهة الأبام أكناف
 - عین الصحیح عن الجمع،
 - العظم: العظام
 - الخیط: الخیاط
 - عین الصحیح لتكمیل الفراغات،
 - لا فتر أشد من ... و لا عبادة مثل ... (الكثرة، الجهل)
 - رنا لا تحثني ما لا ... لي به (طاقة)
 - عین الخطأ عن الترجمة،
 - أحییونا إن الله یحب المحسنین. (نیکی کنید)
 - إن العشب فسدت تبهار. (تبخار)
 - انتخب الصحیح،
 - المخلوط فی جسم الإنسان و حیوان و یجری فیها الجمل ← العظم
 - من الأحجار الجمیلة باللون الأبيض ← الباقوت
 - عین الصحیح عن ترجمة الكلمات،
 - ابحث عن معنی العصاره فی المعجم. (گفت و گو کن - آبیوه گیری)
 - خلفنا من لحم و عصب و عظم (آفریدیم - گوشت)
 - فی الإنسان انطوى العالم الأكبر. (در هم پیچید - دانشمند بزرگ تر)
 - و ما أبزیء نفسي إن التمس لأقاربه بالتسوؤ إلا ما زجتم ریحی (بی گناه نمی شمارم - بسیار فرمان دهنده)
 - عین الصحیح فی ترجمة ما أشیر إليه بخط،
 - انزل القراع فی ما ینلی: می آید
 - لعل جدتی تسافر إلى العتبات المقدسة، مسافرت می کرد
 - عین الخطأ فی ترجمة الفعل،
 - أرید من الله أن یملأ قلوب المسلمین انشراحاً، که پر کند
 - و ألا یحتلنا ما لا طاقة لنا، بر ما تحمیل نکند
 - عین الخطأ فی الترجمة،
 - فاطمة: بُرند / منقطع: بریده شده
 - فسدة: مایه تباهی / محجوب: برآورده شده
- ۱- در رابطه با سؤالهای مترادف و متضاد لازم است گزینهای را که نسبت به بقیه درست تر است، انتخاب کنید.

۱۲. عین الخطأ في التوضيحات:
- الأثار القديمة و الحضارات تؤكد اهتمام الإنسان بالتدين (الحضارة مظاهر التقدم في ميادين العلم و الصناعة)
 - هل الإنسان سوى لحم و عظم (جمعهما: أحماء و عظام)
 - فالتاس موتي و أهل العلم أحياء (هاتان الكلمتان متضادتان)
 - قد حدثنا القرآن عن صراع الأنبياء مع أقوامهم الكافرين. (مترادفهما على الترتيب: تكلم، نزاع)
- ما هو الخطأ:
- لغز: زوما
 - تيميز: تصدرة (إبصار)
 - جرم (جمعها: أجرام)
 - أحياء (مفرد، عتي)
۱۳. عین الخطأ حسب التوضيحات:
- فقدت الحروف المشبهة بالفعل شيئاً
 - الطين يطلق على تراب مختلط بالماء
۱۴. عین الخطأ حسب التوضيحات:
- التعب يطلق على يوم نحاشت أعمال الإنسان فيه
 - العشيرة مكان تحلق فيه أشياء قديمة و أثرية
۱۵. لا خير في قولي إلا نع الفعل، عین المناسب للمفهوم:
- علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد
 - علم چون حاصل کنی آن که عمل خالص شود
۱۶. عین غير المناسب في مفهوم العبارة:
- «أيتها الفاحيز جهلاً بالتسب / إنما الناس لأم و لأب»
- چسون شير به غود سپه شکن باش
 - جایی که بزرگ یا بدت بود
 - گيرم پدر تو بود فاضل
 - بالغ نظری سبب نگه دار
۱۷. عین غير المناسب في المفاهيم التالية:
- «إن الله لا يضيع أجر المحسنين»: تو نیکوئی کن و در دجله انداز / که ببرد در بیابان دهد باز
 - لا شيء أعلى بالشجن من اللسان: گفته خوش که بر زبان آید / مرغ و حلوی پخته زان آید
 - «لا يعلم لنا إلا ما علمتنا»: خداوند خداوندان و صورت ساز بی صورت / چه صورت می کشی بر من تو می دانی من نمی دانم
 - لا تكثر أغنى من القناعة: روده تنگ به یک نان نهی پر گردد / نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ
۱۸. عین الخطأ في المفهوم:
- لا شيء أعلى بالشجن من اللسان: راز خود با یار خود چندان که بتوانی مگوی
 - لا دين لمن لا عهد له: حرف که می زنی، سر حرفتان بمانید
 - لا لباس أجمل من العافية: تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
 - لا تكثر أغنى من القناعة: خبر کن حریص جهانگرد را / قناعت توانگر کند مرد را
۱۹. عین الصحيح في مفهوم هذه الآيات:
- أيتها الفاحيز جهلاً بالتسب / إنما الناس لأم و لأب ← کیفیت خلفه الإنسان
 - هل تراهم خلفوا من قصة / أم حديد أم نحاس أم ذهب ← الفرق بين الجاهل و العاقل
 - بل تراهم خلفوا من طينة / هل يسوي لحم و عظم و عصب ← أهمية العقل و العفاف و الأدب
 - إنما الفخر لعقل ثابت / و حياء و عفاف و أدب ← إنما الشرف بالعقل لا بالمال
۲۰. عین الصحيح حسب الواقع:
- قدر الإنسان بالثروة التي نكتسبها بالاجتهاد و المحاولة
 - الإنسان عالم صغير و العالم عالم كبير
۲۱. عین الخطأ عن المفهوم:
- فقر بالعلم و لا تطلب به بدلاً فالتاس موتي و أهل العلم أحياء: (اهمیت علم آموزی)
 - إنما الفخر لعقل ثابت و حياء و عفاف و أدب: (ادب مرد به از دولت اوست)
 - قيمة كل امریء بأعماله الحسنة: (کار نیکو کردن از پر کردن است)
 - لا شيء أجمل من العفو عند القدرة: (ارزش بخشش و گذشت)
۲۲. عین الخطأ عن السؤال و الجواب:
- أي طعام لیتت لها برکة؟ الطعام الذي لا یذکر اسم الله عليه.
 - من أفلح في الحیاة؟ الذين في صلاتهم خاشعون.
۲۳. عین غير المناسب في المفهوم:
- لا تكثر أغنى من القناعة (خدا را ندانست و طاعت نکرد / که بر بخت و روزی قناعت نکرد)
 - «قلنا یا ناز کونی برداً و سلاماً» (گر نگهدار من آن است که من می دانم / شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد)
 - «لا تستبوا الذين يدعون من دون الله فيستبوا الله» (چو دشنام گویی دعا نشنوی)
 - لا جهاد كجهاد النفس. (ای شهان گشتمیم ما خصم برون / ماند خصمی زو بتر در اندرون)

24. عَيْنُ الصَّحِيحِ حَسَبَ الْوَاقِعِ:

- 1 لم يكن لبعض الشعوب طريقة للعبادة و ما كان لهم دين.
2 ما كثر إبراهيم إلا القسم الكبير.
- 3 تقديم القرابين للأكله لكسب رضاها من الخرافات الدينية.
4 من علامات الحنيف ترك الحق و التمايل إلى الباطل.

دركه مطلب

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة:

«الناس من جهة الآباء أكتفاءً أبوهم آدم (ع) و أمهم حواء ولكن فذُرُّ كُلِّ امْرِئٍ ما كان يُحْسِنُهُ و عِزَّةُ الرِّجَالِ على أفعالهم، فعلينا ألا نتفاخر بالتَّسْبِيحِ كُنَّا مخلوقون من طين و نسا بيوت لحم و عظم و غضيب و فخرُ الإنسان بِقَلْبِهِ و حَيَاةِهِ و عِفَافِهِ و آدَبِهِ و تقواه» و على الإنسان أن يفوز بالعلم و لا يطلُبَ به بدلاً لِأَنَّ النَّاسَ عَوْنِي و أهلُ العِلْمِ أحياءُ

25. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ مَفْهُومِ النَّصِّ:

- 1 التَّمَرُّزُ بالتَّسْبِيحِ 2 الإنسان و كماله 3 طلبُ العِلْمِ 4 آباءُ الإنسانِ

26. عَيْنُ الْخَطَأِ حَسَبَ النَّصِّ:

- 1 خُلِقَ الإنسانُ مِن طِينٍ 2 أبُ الإنسانِ آدمُ و أمُّه حَواءُ 3 على الإنسانِ أن يطلُبَ بدلاً بِالْعِلْمِ 4 شرفُ القِرَمِ بأفعاله لا تشبِه

27. عَيْنُ ما لَيْسَ مِنَ قَدْرِ الإنسانِ:

- 1 لأَصْلُ و التَّسْبِيحُ 2 الغنلُ و الغنلُ 3 الحياءُ و العفافُ 4 العِلْمُ و الأدبُ

28. عَيْنُ العبارةِ الَّتِي لا يوجَدُ مَفْهُومُها في النَّصِّ:

- 1 جَمالُ القِرَمِ فَصاحةً لِسايمِ 2 إِنْ أَكْرَمَكُم بِنَدَةِ اللَّهِ أَتَقَانُمُ 3 لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ 4 و خَلَقْنَاكُمْ مِن ذَكَرٍ و أَنْثَى

النَّمشُ الثَّانِي:

أ تعلم أن للتمساح صديقاً مخلصاً من الطيور، حيث ترى بينهما تعاملًا عجيبيًا فكثيراً ما نشاهد التمساح قد فتح فكَّيه الواسعين و أقبل الطائر و دخل فيه فبه بكل طمأنينة ليجمع بمنقاره كل ما علق بين أسنان ذلك الحيوان من الطعام، لذا فقد أنس كل منهما الآخر و استحسنت بينهما أسباب الصداقة حتى أنك ترى الطائر يدخل فم التمساح و كأنه يدخل بيته.

هناك خدمة أخرى يقدمها هذا الطائر للتمساح، فهو يتبع التماسيح في رحلاتها لطلب القوت، فإذا شاهد صيداً أو خطراً أسرع إلى إنذار التمساح بإيجاد صوت يدرك الحيوان معناه، فيسرع إلى الابتعاد أو إلى اتخاذ الحيلة المناسبة لاصطياد (= صيد) طعمته.

29. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- 1 يعشى الطائر من التمساح، و لا يقترب منه أبداً.
2 يصوت التمساح صوتاً عند الشعور بالخطر، فيفرط الطائر من الخطر.
3 عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: يلازم الطائر التمساح في السفرات لـ

30. عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: يلازم الطائر التمساح في السفرات لـ

- 1 إنذار التمساح، 2 أنه مونسه و رفيقه 3 الحصول على الطعام 4 تنظيف فم التمساح

31. متى يدخل الطائر فم التمساح؟

- 1 قبل أكل الطعمه 2 حين يشعر التمساح بالخطر 3 بعد اصطياد الطعمه 4 حين أكل التمساح طعمه.

(شرح لتركيب 29)

1 من أسباب المؤدة الشعور باحتياج الواحد إلى الآخر.

2 الفائدة المهمة للطائر هي إزالة الجراثيم من فم التمساح بعد دخوله فيه.

(شرح لتركيب 30)

1 الحصول على الطعام 2 تنظيف فم التمساح

(شرح لتركيب 31)

1 بعد اصطياد الطعمه 2 حين أكل التمساح طعمه.

قواعد

32. عَيْنُ الجُمْلَةِ الَّتِي فيها حرفٌ مِنَ «الحروفِ المُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ»:

- 1 كان إرضاءُ الناسِ غايةً لهذا القاضي
2 إن تسال في صبرك فهو خيرٌ لك

33. أَيُّ عبارةٍ فيها حرفٌ «لُتَّائِكِد» على الجُمْلَةِ:

- 1 أجبك أن أشاهد ذلك البحر الجميل
2 هذا التلميذ كان يتلوث إلى الوراء لأنه لم يتعلم الدرس.

34. عَيْنُ جُمْلَةٍ لَيْسَ فيها حرفٌ لِيَبانِ «الأُمْتِيَّة» أو «الرَّجاء»:

- 1 باليتني أذهب لزيارة العقبان المقدسية مرة أخرى
2 لا يحاول ولدي كثيراً لئنة يميل إلى قدومه

35. عَيْنُ العبارةِ الَّتِي فيها المضارعُ الاتِّزَامِي:

- 1 إني أزعج إلى الجامعة و أحاول في الدرس.
2 لئتنا لنجد لتحرير القدس العزيزة

36. ما هو الصَّحِيحُ عَنِ فِعْلِ «شَكَرَ»: «هَذَا فَضَّلَ عَلَى النَّاسِ مِن رِزْمًا كَرِيمًا لَقَلْنَا لَشُكْرَهُ»:

- 1 معادلاً للمضارع الاتِّزَامِي 2 معادلاً للماضي الاستمراري 3 ليس في معناه «الرجاء» 4 يُدُلُّ على الماضي البعيد

37. أَيُّ جُمْلَةٍ لَيْسَ فيها فِعْلٌ يُدُلُّ على الماضي الاستمراري:

- 1 لئيت صديقك رأى محاولتك لخل مشكليم
2 كانت تؤكِّد أاناؤ القديسة لعتمام الإنسان بالذبح

3 كأن الاستناد لا يرى الجمال إلا العزيمه

4 هذا كتاب مفيد كان يؤثر في نفسي

۲۸. عین ما ليس فيه معادلٌ للمضارع الاتزامي،
 1. نَعَلٌ هذين الطالبين يساعداً زميلهما
 2. إِنَّهُ يَخْرُجُ بنسبه و ليس سُجاعاً.
۲۹. استخدام العبارة التالية مع «إِنَّ»: «المؤمن قليل الكلام»
 1. إِنَّ المؤمن قليل الكلام. 2. إِنَّ المؤمن قليل الكلام.
۳۰. عین الخطأ في عمل الحروف المشبهة بالفعل،
 1. إِنَّ هذين التلميذين ناجحان في الامتحان
 2. ليت أصدقائنا متوكلين على الله في أمورهم.
۳۱. عین الصحيح (في عمل الحروف المشبهة بالفعل و الأفعال الناقصة)،
 1. تَأَنَّ إخواني الأيزاء مجتهدين لتحقق أهدافهم.
 2. إِنَّ الجعاج لعن يطلُبُ الغلب.
۳۲. عین الخطأ في نوع «لا»
 1. لا يصفه أحسن من الأدب في الإنسانيه ﴿﴾ الناقية للجنس
 2. لا تذخلوا المشيخ الآن لأن فيه مواد محترقة ﴿﴾ الناقية
۳۳. عین حرفاً من «الحروف المشبهة بالفعل» عقله التواضع بين الجمليتين،
 1. و يقول الكايز، باليتي كنتُ ثراباً
 2. كأن إرضاه الناس غائباً لا تُدرِك.
۳۴. عین «لا» يختلف نوعه،
 1. عَنَى الناسي أن لا يجالسوا الكاذبين لأن الكذب عملٌ فيح.
 2. أَلَّذِي يَحِبُّ أَنْ يَكُونَ محترماً في المجتمع لا يظلم الناس أبداً
۳۵. عین الصحيح لتكميل الفراغ، «لا تحزنن يا صديقي» ————— الله معنا في جميع الأمور»
 1. إِنَّ 2. لَيْتُ
 3. كَأَنَّ 4. لَوْ
۳۶. عین عبارة جاء فيها نوعان من «لا»
 1. رَبَّنَا لا تُحْمِلْنَا ما لا طاقة لنا به
 2. لا يدخل الجنة أُلَّذِي لا يتسلم الناس من لسانه
۳۷. عین ما ليس فيه «لا» الناقية للجنس،
 1. يعتقِدُ العُلَمَاءُ بأن ذهن الإنسان عالمٌ لا نهاية له
 2. لا رجاء بنجاحه من ليس له إمام يقندي به.
۳۸. عین الخطأ (في عمل الحروف المشبهة بالفعل)،
 1. عملتُ أَنْ تعظيم شعائر الله تنبئ بتقوية القلوب.
 2. ليت الإنسان الفاجر يوم القيامة يكون ثراباً
۳۹. عین حرفاً جاء يرفع الإبهام عن ما قبله،
 1. إِنَّ الله لا يضيع أجر المحسنين
 2. إِنَّا جَعَلْنَا لِرَأْيِنا عربياً لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.
۴۰. عين ما يَدُلُّ على «المضارع الاتزامي» في الفارسية،
 1. هذه الوظائف متعلقة بالحيوانات التي كانت تعيش جماعية
 2. نَعَلٌ للمساعدة تكون في زاوية عُرفتنا فتحرق عنها غافلون.
۴۱. عین ما فيه من «الحروف المشبهة بالفعل»،
 1. رَبَّتْ تلام كالحسام فقلينا أن نتأكل قبل الكلام.
 2. كان هذا العاقِلُ شخصاً يعجز بتجارب الآخرين.
۴۲. عین نوع «لا» يختلف عن التقيية،
 1. أَلَّذِي يَحاول ليلاً و نهراً يتبع أهدافه فلا شك فيه.
 2. أَلَا تعلم أن الله هو خالق كل شيء و هو بزرؤنا؟
۴۳. عین ما فيه «لا» الناقية للجنس»
 1. علينا أن نستشير العالم لا الجاهل.
 2. لا يحزنك قولهم إِنَّ العزة لله جميعاً.
۴۴. عین ما فيه «لا» الناقية للجنس و «لا» الناقية معاً،
 1. رَبَّنَا لا تُحْمِلْنَا ما لا طاقة لنا به.
 2. كل طعام لا يذكر اسم الله عليه فإنما هو داء و لا بركة فيه.
1. من الأوزج أن لا تكون في صفنا هذه المنصدة الكبيرة
 2. باليتي أكون صديقك و أساعدك دائماً
1. إِنَّ المؤمن قليل الكلام. 2. إِنَّ المؤمن قليل الكلام.
1. كأن اللون الأبيض جميلٌ في هذا التصوير.
 2. نَعَلُ الفلاحين لتتقون يوم السبت.
1. ليس الكاذبين ناجحون في أعمالهم
 2. أعظم أن الطمع دافع الإنسان إلى البلاد
1. إذا شاء الله أن يضل فلا تبيل إهدياته. ﴿﴾ الناقية للجنس
 2. لا تجعل باطن حياتك شعاعاً لإظهار حياتهم ﴿﴾ الناقية
1. لا شك أن بيت الصلوة يبنى بفخار
 2. لا تحزنن، إِنَّ الله عقلم
1. ما فهمت يا صديقي لم تقول ما لا تقدر أن تفعله أبداً؟
 2. إلتفتنوا الفرصة و أدرسوا جيداً حتى لا ترسبوا في الإمتحان.
1. لا فخر أشد من الجهل و لا عبادة مثل التفتير.
 2. لا يرحم الله من لا يرحم الناس.
1. سَأمت على صديقي لا عني جميع الحاضرين
 2. العالم بلا عقل كشجرة لا يمتاز لهل
1. إِنَّ المؤمن أُلَّذِي يصلي خائفاً فائراً في الآخرة
 2. كأن التمثال أُلَّذِي وضع في مركز المدينة إنساناً.
1. لا تفضت فإن الغضب فتندم
 2. آيات الله في الأرض كثيرة و لكن أكثرهم لا يعقلون.
1. هل تعرف طريقاً للوصول إلى النجاح سوى المحاولة؟
 2. هذا الكتاب صغير و لكنه يضم موضوعات رائعة.
1. كانت هذه الموجات ترسل من أعماق البحار
 2. كأن هذا الحيوان شاعرٌ يعشق جمال الطبيعة
1. كيف تنتظر مساعدة الآخرين عندما لا يساعدهم أبداً؟
 2. أُلَّذِي لا يعقل جيداً لن يرى النجاح في حياته
1. يا أيها الناس إِنَّ أباكم واحد و لا فضل لعربي على عجمي
 2. لا يرحم الله من لا يرحم الناس.
1. لا فخر كالجهل و لا ميراث كالأدب.
 2. لا بأس و لكني لا أقدر أن أجيب سؤالاتك حول هذا الموضوع.

۵۵. عین المضارع یترجم مختلفاً عن الباقی:

۱. لیثنی أعبثت فی هذه المدينة الجميلة.
 ۲. و لندكر إبراهيم الذي حاول أن ينفذ قومه من عبادة الأصنام.
- عین الصحیح حسب التوضیحات:

۱. إن التمس لأفارة بالشواء إلا ما زجته رثی. (أفارة اسم المبالغة / المجرور بحرف الجر)
۲. إن ربك أعلم بمن ضل عن سبيله. (أعلم: الفعل المضارع / خبر إن)
۳. وتلكم كنتم لا تعلمون. (لا تعلمون: فعل التکفي / خبر كنتم)
۴. إنا جعلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون. (إعراب: نداء على الترتیب: اسم إن، الفاعل)

۵۷. عین الصحیح عن خبر الأفعال الناقصة:

۱. يأتي لغو كانت شميل تقرأ الأدعية الإسلامية (الأدعية)
۲. كان الله بما تعملون خبيراً (تعملون)

۵۸. عین نوع دلاء لا يؤثر على إعراب ما بعده:

۱. لا بأس ولكن لا أعطيتك أميبيلين.
۲. لا شيء أثقل في الميزان من الحلق الحشن.

۵۹. عین ما ليس فيها دلاء من نوعين اثنين:

۱. لا تغتروا بصلاتهم ولا بصيامهم.
۲. لا نظلموا الآخرين قبل أن يأتي يوم لا إنسان قادر على عمل.

۶۰. عین الخطأ في وصف عمل الحروف المطلوبة:

۱. ليت الأولاذ يحترموا الأولاذ دائماً. (تستعملان لبيان التمثلي)
۲. أعلم أن الله محبوب الدعوات. (يربط بين الجملتين)

۶۱. ما هو الصحیح؟

۱. إن العلماء عالمون بمصالحهم.
۲. ليس التلاميذ عالمون بمستقبلهم.

۶۲. ميم العبارة التي لم يهدف فيها خبر دلاء النافية للجنس:

۱. لا إله إلا الله.
۲. لا إيمان يمد مع سوء الظن.

۶۳. عین الخطأ فيما يلي:

۱. لا يأسن أجمل من العافية.
۲. كانت العافية أجمل لباسي.

۶۴. عین الصحیح عن دلاء النافية للجنس:

۱. عندما ذهبت إلى المكتبة رأيت لا في المكتبة أحد.
۲. لا عصفور على فسيان الأشجار قرب بيتنا.

۶۵. عین دلاء النافية للجنس:

۱. الذي لا يعمل بجد لن يرى التجاح في حياته.
۲. يجب أن نعرف بأنه لا تلح في مجالسة الجهال.

۲. لعل أخني تسافر في الأسبوع القادم.

۱. إن الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً.

۱. كان الرجل يمشي متحيراً على الأرض. (متحيراً)
۲. ليس في هذا البيت مصباح. (في هذا)

۱. لا تفت ما ليس لك به علم.
۲. هؤلاء الزائران لا يسافرون إلا بالطائرة.

۱. إن لا تجتهدوا في حياتكم لا تنجحوا في حياتكم.
۲. أ لا تعلمون لا فقر كالجهد ولا مبراة كالأدب.

۱. لعل الشاعة قريب. (يرفع لرفع الإبهام)
۲. إن الإنسان لفي خسرة. (تؤكد الجملة)

(سراسری تهری ۷۷)

۱. كان مقاتلونا عالمين بمسير حياتهم.
۲. ليت المتكاسلون عالمين بمضار التكاسل.

(سراسری اتقان ۷۸)

۱. لا سيف إلا ذو الفقار.
۲. لا قس إلا علي.

(سراسری اتقان ۷۹ با التکی تغییر)

۱. إن العافية أجمل لباسي.
۲. ليت العافية أجمل لباسي.

(سراسری اتقان ۹۱)

۱. لا الكتاب على المتشدة بعد ذهابنا.
۲. هذا اليوم لا ضيوفنا في البيت.

(سراسری اتقان ۹۲ با التکی تغییر)

۱. سلمت على صديقي لا على جميع الحاضرين.
۲. إن أخاه لا يدرس في البيت. بل في المدرسه.

سید لوری

سؤال های ضبط حرکات گونه ای از سؤال های تستی است که بر اساس قرائت صحیح کلمات طراحی می شود. برای پاسخگویی صحیح به این نوع سؤال لازم است به وزن کلمات و شیوه درست خواندن آنها توجه کنید. در فعل ها، وزن باب ها در ماضی، مضارع، امر و مصدر آنها و همچنین معلوم یا مجهول بودن فعل مورد اهمیت است. در اسم ها وزن کلماتی مانند اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و یا نحوه قرائت صحیح مفرد و جمع یک اسم از موارد مهم در چنین سؤال هایی هستند.

۶۶. عین الصحیح في ضبط الحركات:

۱. أيها الناس أختنوا إن الله يحب المحسنين.
۲. النحاس عنصر فلزي كالتحديد توصل للحرازة والكهرباء.

۶۷. عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۱. اخويني و اخم بلادي من شروور الحادوثانيه.
۲. الأناز القديمة تؤكد اهتمام الإنسان بالدين.

۶۸. عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

۱. طر الناس أن إبراهيم هو الفاعل فأخضروه للمحاكمة.
۲. الأذات هذه الخرافات في أديان الناس على عز العشور.

۱- تفاوت این نوع سؤال با سؤال تشکیل در نظام قدیم این است که در سؤال های تشکیل، توجه اصلی بر اعراب کلمه با توجه به نقش کلمه در جمله و همچنین انواع اعراب بود ولی در این نوع از سؤال توجه اصلی بر نحوه قرائت کلمه و وزن کلمه است.

۱- یافتن موارد کلیدی / ۲- رد گزینه‌ها بر اساس موارد کلیدی (حداقل ۲ گزینه) / ۳- مقایسه گزینه‌های باقی‌مانده با صورت سؤال

پس‌توانی

عَيْنَ الْأَضْحَى وَالْأَذَى فِي التَّرْجَمَةِ لِأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

۶۹. «قُلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ دَاءَكُمْ بَيْنَكُمْ وَ لَكُمْ لَمْ تَشْعُرُوا»

- ۱ آیا می‌دانید که درد شما از خودتان است و شما احساس نمی‌کردید ۱
 ۲ آیا می‌دانید بی‌گمان درد شما از خود شما است، ولی شما نفهمیده‌اید. ۲
 آیا دانسته‌اید مسلماً درد شما از خودتان است و شما درک نمی‌کنید.

۷۰. «لَيْتُنَا نَعِيشُ بِقَدْرَةِ لَيْتُنَا تَطَلَّبُ حَيَاةً طَيِّبَةً»

- ۱ ای کاش ما با قدرت زندگی کنیم. برای این که ما زندگی پاک را طلب می‌کنیم.
 ۲ ای کاش ما با قدرتمندی زندگی می‌کردیم؛ زیرا ما طالب یک زندگی پاک بودیم.
 ۳ شاید ما با قدرت زندگی کرده باشیم؛ زیرا قطعاً زندگی پاک را طلب می‌کردیم.
 ۴ امیدواریم که با قدرتمندی زندگی کنیم؛ زیرا بی‌گمان زندگی پاک را طلب می‌کنیم.

۷۱. «قُلْ الْإِنْسَانُ يُجَاهِزُ بِجَنَاحَيْهِ الْإِنْتِنِ وَ هَذَا الْجَنَاحَانِ، الْعِلْمُ وَ الدِّينُ»

- ۱ ای کاش انسان به دو بال مجهز شود و این دو بال‌های علم و دین هستند.
 ۲ امید است که انسان به دو بال مجهز شود و این دو بال علم و دین است.
 ۳ شاید انسان با دو بال تجهیز می‌شود و این دو بال‌های علم و دین می‌گردند.
 ۴ گویی که انسان به دو بال مجهز شده است و این دو بال علم و دین او هستند.

۷۲. «لَا سِيَّارَةَ فِي هَذَا الشَّارِعِ وَ لَا نَسْتَطِيعُ الْحُضُورَ فِي الْإِمْتِحَانِ»

- ۱ ماشینی در خیابان نیست و ما امکان حضور در امتحان را نداریم.
 ۲ هیچ ماشینی در این خیابان نبود و ما نمی‌توانستیم در امتحان حاضر شویم.
 ۳ هیچ ماشینی در این خیابان نیست و ما نمی‌توانیم در امتحان حضور یابیم.
 ۴ ماشین در این خیابان نیست و ما نمی‌توانیم در امتحان حاضر شویم.

۷۳. «كَأَنَّ الْإِنْسَانَ جَرْمٌ صَغِيرٌ وَ فِيهِ كَأَنَّ قَدِ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ»

- ۱ انسان جرم کوچکی بود و در او جهان بزرگی به هم پیچیده است.
 ۲ مثل این که انسان بیکر کوچک است و در او بزرگ‌ترین دنیا به هم پیچیده بود.
 ۳ گویا انسان جرم کوچکی است و در او دنیای بزرگی به هم می‌پیچد.
 ۴ گویا انسان بیکر کوچکی است و در او جهان بزرگ‌تر به هم پیچیده بود.

۷۴. «كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّهَا هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَةَ لَهُ»

- ۱ همه غذایی که نام خداوند بر آن یاد نشود بدون شک دردی است و بی‌برکت است.
 ۲ همه غذاهایی که اسم خدا را بر آن یاد نکنی بدون شک درد است و برکتی ندارد.
 ۳ هر غذایی که نام خداوند بر آن یاد نشود قطعاً درد است و هیچ برکتی ندارد.
 ۴ هر غذایی که اسم خدا را بر آن یاد نکنی قطعاً درد است و برایش برکتی وجود ندارد.

۷۵. «لَيْتُنَا تَعْلَمُ أَنَّ دَوَاغَنَا فِينَا وَ نَحْنُ مَا نُبَيِّضُ إِلَيْهِ وَ دَاوَاتَنَا مَنَا وَ نَحْنُ لَا تَشْعُرُ بِهِ»

- ۱ ای کاش می‌دانستیم که داروی ما در ماست و توجه نمی‌کنیم و درد هم از ماست و آن را احساس نمی‌کنیم.
 ۲ ای کاش بدانیم که داروی ما در ماست و به آن نمی‌نگریم و دردمان از ماست و ما آن را احساس نمی‌کنیم.
 ۳ ای کاش می‌دانستیم که دارویمان با ماست و آن را نمی‌بینیم و داروی ما از ماست و احساس نمی‌کنیم.
 ۴ ای کاش بدانیم که داروی ما در خود ماست و به آن نگاه نمی‌کنیم و درد ما از ماست و ما احساس نمی‌کنیم.

۷۶. «لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ اسْتَيْقَنُوا مِنْ تَوَمِ الْغَفْلَةِ وَ اتَّجَهُوا إِلَى تَعْلَمِ الْعِلْمِ وَ مَا طَلَبُوا بِهِ تَدَلُّاً»

- ۱ ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار می‌شدند و به یادگیری دانش روی می‌آوردند و جانشینی برایش نمی‌خواستند.
 ۲ ای کاش مسلمانان از خواب بی‌خبری بیدار شده بودند و به یادگیری دانش روی می‌آوردند و جانشینی برای او نخواهند خواست.
 ۳ ای کاش مسلمانان از خواب بی‌خبری بیدار می‌شدند و به یاد دادن علم روی می‌آوردند و چیزی به جایش می‌خواستند.
 ۴ ای کاش همه مسلمانان از غفلت بیدار می‌شدند و به یاد دادن علوم توجه می‌کردند و جانشینی به جای او نمی‌خواستند.

۷۷. «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتُمْ» عَيْنَ الْخَطَا.

- ۱ به جز چیزی که به ما آموختی، هیچ دانشی نداریم.
 ۲ علمی نداریم مگر این که تو آن را به ما بیاموزی.
 ۳ برای ما هیچ دانشی به جز آن‌چه به ما آموزش دادی، نیست.
 ۴ ما را هیچ علمی نیست، جز آن‌چه تو به ما یاد دادی.

۷۸. «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

- ۱ قطعاً خداوند بر مردم دارای بخشایش است، ولی بیشتر مردمان شکرگزار نیستند.
 ۲ بدون شک الله نسبت به مردم صاحب فضل است، ولیکن اغلب آن‌ها سپاسگزار نیستند.
 ۳ بی‌گمان خداوند دارای بخشایش بر مردمان است، اما بیشترین آن‌ها سپاس نمی‌گذارند.
 ۴ بدون تردید الله صاحب فضل و بخشش است بر مردم، ولیکن اکثر مردم شکرگزاری نمی‌کنند.

۷۹. **«إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي خُلِقَ مِنَ الطِّينِ وَ لَهُ جِرمٌ ضَغِيرٌ، إِنظُوى فِيهِ عَالَمٌ أَكْبَرٌ لَا نَهَاةَ لَهُ.»**
 ۱ بی شک انسانی را که از خاک آفریدند و به او جسمی کوچک دادند، عالمی بزرگ در او پیچیده شده است که بی نهایت است.
 ۲ همانا این انسانی که آفرینش از خاک بوده و پیکری کوچک دارد، عالمی بزرگتر را در خود جای داده که هیچ پایانی برای آن نیست.
 ۳ بی شک انسانی را که از گل آفریدند و جسمی کوچک دارد، در او جهانی بزرگ نهفته است که پایانی برای آن وجود ندارد؟
 ۴ بی گمان انسانی که از گل آفریده شده است و پیکری کوچک دارد، در او جهانی بزرگتر به هم پیچیده شده که هیچ نهایی ندارد؟
۸۰. **«يُنكسِرُ كُلُّ الْأَصْنَامِ الْمَوْجُودَةِ فِي نَفْسِنَا لِئَنذُرَ صِرَاعَ الْأَنْبِيَاءِ مَعَ الْكَافِرِينَ.»**
 ۱ باید همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم، تا نزاع و درگیری پیامبران را با کافران درک کنیم.
 ۲ برای این که نزاع و درگیری پیامبران را با کافران به یاد آوریم، باید همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم.
 ۳ برای این که همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم، باید نزاع و درگیری پیامبران را با کافران به یاد آوریم.
 ۴ تا همه بت‌های موجود در خودمان را بشکنیم، نزاع و درگیری پیامبران را با کافران درک می‌کنیم.
۸۱. **«قَدْ أَظُنُّ أَنَّ الذَّهْرَ لَا يُرِيدُ أَنْ يَسْمَعَ لِي أَنْ أَصِلَ إِلَى أَهْدَافِي وَ لَكِنَّ الذَّهْرَ لَا ذَنْبَ لَهُ.»**
 ۱ خیال کردم که روزگار نمی‌خواهد که من به اهدافم برسم؛ اما روزگار هیچ گناهی ندارد.
 ۲ گاهی خیال می‌کنم روزگار اجازه نمی‌دهد که من به هدفم برسم؛ اما این گناه روزگار نیست.
 ۳ بعضی وقت‌ها می‌پنداشتم که روزگار اراده کرده است که من به هدف‌هایم نرسم؛ اما هیچ گناهی برای روزگار نیست.
 ۴ گاهی می‌پندارم که روزگار نمی‌خواهد اجازه بدهد که من به اهداف خود برسم؛ اما روزگار هیچ گناهی ندارد.
۸۲. **«إِنَّ هَذِهِ الْأَصْنَامَ الَّتِي كُنْتُمْ تَتَفَخَّرُونَ بِعِبَادَتِهَا لَا قِيمَةَ لَهَا لِأَنَّهَا عَاجِزَةٌ عَنْ قِضَاءِ حَاجَاتِكُمْ.»**
 ۱ به راستی این بت‌هایی که به پرستیدن‌شان افتخار می‌کنید ارزشی ندارند چون از برآوردن نیازهای شما ناتوان هستند.
 ۲ این‌ها بت‌هایی هستند که به پرستیدن‌شان افتخار می‌کردید در حالی که بی‌ارزش هستند چون از تأمین نیازهای خود ناتوانند.
 ۳ این بت‌هایی که به عبادت‌شان افتخار می‌کردید، هیچ ارزشی ندارند چون از برآوردن نیازهای خود ناتوان هستند.
 ۴ این بت‌ها که آن‌ها را با افتخار می‌پرستیدید هیچ ارزشی ندارند؛ زیرا نمی‌توانند نیازهای خود را برآورده سازند.
۸۳. **«لَا شَيْءَ كُنَّا نُرِيدُ إِلَّا السَّكِينَةَ، فَلِهَذَا خَالَقْنَا الْقَدُوءَ.»**
 ۱ هیچ چیزی نمی‌خواستیم، مگر آرامش، به همین خاطر دشمن با ما مخالفت کرد.
 ۲ هیچ چیزی جز آرامش نمی‌خواهیم، برای همین دشمن با ما مخالفت کرده است.
 ۳ ما چیزی جز آرامش نمی‌خواستیم، بنابراین دشمنان با ما به مخالفت برخاستند.
 ۴ دشمن به این دلیل با ما مخالفت می‌کرد که ما فقط آرامش می‌خواستیم.
۸۴. **«إِنَّ قَلْبِي مَطْمَئِنٌّ اطمِئناناً تَاقِئاً لِأَنَّ مَحَاوَلَاتِي كُلَّهَا كَانَتْ مِنَ الْبِدَايَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»**
 ۱ قطعاً دل من از ابتدا کامل اطمینان داشت، چه جمیع تلاش‌های من در طریق الله می‌باشد.
 ۲ قطعاً قلب من کاملاً اطمینان دارد، زیرا تمام کوشش‌های من از آغاز برای خدا بوده است.
 ۳ همانا دلم کاملاً مطمئن است، زیرا همه تلاش‌هایم از ابتدا در راه خدا بوده است.
 ۴ همانا قلبم از آغاز کاملاً یا اطمینان بود، چه کل کوشش‌هایم برای الله می‌باشد.
۸۵. **«إِنَّ الْمَوَادَّ الْغِذَائِيَّةَ تُؤَثِّرُ فِي قُدْرَةِ الْجِسْمِ وَ الْعَقْلِ، وَ تُبْعِدُنَا عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرَاضِ.»**
 ۱ مواد غذایی در قدرت بخشیدن به بدن و فکر تأثیر گذار است و ما را از بسیاری امراض دور خواهد کرد.
 ۲ مواد مغذی در توانمندسازی بدن و فکر مؤثر است و ما را از بیماری‌های کثیری دور نگه می‌دارد.
 ۳ مواد غذایی بر توانمندی جسم و عقل تأثیر می‌گذارد و ما را از بسیاری از بیماری‌ها دور می‌کند.
 ۴ مواد مغذی در توانایی جسم و عقل اثرهایی دارد و ما را از مریضی‌های متعددی دور می‌کند.
۸۶. **«كَلِمَةٌ خَيْرٌ تَقِيدُ، أَفْضَلُ مِنْ كِتَابٍ لَا فَائِدَةَ لَهُ.»**
 ۱ کلمه خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند.
 ۲ سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند.
 ۳ یک کلمه خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد.
 ۴ یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد.
۸۷. **«يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.»**
 ۱ الله مثال‌هایی برای مردم می‌زند، شاید پند بگیرند.
 ۲ خداوند مثالی برای مردم زده است، باشد که متنبه شوند.
 ۳ خداوند برای مردم مثالی زده است، باشد که عبرت بگیرند.
۸۸. **«لَا دِينَ لِلْمَثَلُونَ وَ إِنَّ أَلْقَاكَ فِي الْخَطَا وَ تَظَاهَرَ بِكَمَالِ دِيانتِهِ.»**
 ۱ کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی‌نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفتاند.
 ۲ هیچ دینی ندارد آن کس که دو رنگ است و به کمال دین داریش تظاهر کرده باعث اشتباه تو شود.
 ۳ انسان دو رو هیچ دینی ندارد اگر چه تو را به اشتباه بیفتاند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند.
 ۴ آن که دو رو است دین ندارد هر چند ظاهری با دین و بی‌نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد.

(مراصری زبان ۹۳)

(مراصری زبان ۹۳)

(مراصری ریاضی ۹۱)

(مراصری تهری ۹۳)

(مراصری هنر ۹۲)

(سراسری تهری ۹۳)

۹۸. **الفَرَسُ الذَّهِيَّةُ تحصل لجميع الناس، ولكنَّ التَّاجِحِينَ هم الذين يقتصونها،**

- ۱ فرصت‌هایی طلایی وجود دارد که برای همه مردم پیش می‌آید، ولی تنها پیروزمندان هستند که موفق به شکار آن‌ها می‌شوند.
- ۲ فرصت‌های طلایی برای تمامی مردم حاصل می‌گردد، ولی انسان‌های موفق همان کسانی هستند که آن‌ها را شکار می‌کنند.
- ۳ فرصت‌های زرین برای همه انسان‌ها حاصل‌شدنی است، اما تنها افراد پیروز هستند که شکارش می‌کنند.
- ۴ برای تمامی مردمان فرصت‌های زرین به دست می‌آید، ولی فقط افراد موفق به شکار آن نایل می‌شوند.

(سراسری تهری ۹۳)

۹۹. **«كنت أحسن أن الحياة سوف تُمرّ بي بصعوبة كثيرة مع فقدانه.»**

- ۱ حس کرده بودم زندگی با عدم وجود او بر من خیلی سخت می‌گذرد.
- ۲ حس می‌کردم یا فقدان او زندگی جداً با من به دشواری رویه‌رو خواهد شد.
- ۳ احساسم این بود که زندگی بر من بسیار دشوار سپری خواهد شد با نبود او.
- ۴ احساس می‌کردم که با از دست دادن او زندگی بسیار سخت بر من خواهد گذشت.

(سراسری زبان ۹۳)

۱۰۱. **«ليتني كنت قد تعلمت منك أن لا أحزن على كلِّ أمرٍ مكروهٍ أو أواجهه، و لو كان كبيراً.»**

- ۱ کاش از تو آموخته بودم که بر هر امر ناپسندی که با آن مواجه می‌شوم شگین نگردم، اگر چه بزرگ باشد.
- ۲ شاید از تو آموخته باشم که به‌خاطر هر آن‌چه از ناپسندی‌ها به من برسد حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشم.
- ۳ کاش محزون نشدن را بر هر امر ناملایمی که با من مواجه می‌شود از تو یاد می‌گرفتم، ولو بزرگ باشد.
- ۴ شاید غم نخوردن را برای آن ناخوشایندی که به من خواهد رسید با وجود بزرگ بودن از تو بیاموزم.

(سراسری علم ۹۳)

۱۰۲. **«إنَّ الناسَ في مسيرهم نحو أهدافهم السَّاميةِ يفتشون عن نماذجٍ مثاليَّةٍ ليُعلموهم أسوَّةً لأنفسهم.»**

- ۱ قطعاً مردم در مسیرشان به طرف هدف‌های عالی خویش در جست‌وجوی نمونه‌هایی والا برای الگوی خود می‌باشند.
- ۲ بی‌شک مردم در مسیر خود به سوی اهداف عالی خویش به دنبال نمونه‌هایی ممتاز می‌گردند تا آن‌ها را الگویی برای خود قرار دهند.
- ۳ قطعاً افراد مردم در مسیر خویش به سوی هدف‌های والا در جست‌وجوی نمونه‌هایی عالی می‌باشند تا چون الگوهای برتر برای آن‌ها باشند.
- ۴ مردم در مسیر حرکت خود به سمت اهداف والای خویش به دنبال نمونه‌های ممتازی می‌گردند، تا آن‌ها را برای خود چون یک الگو قرار دهند.

فصلنامه‌ها و مجله‌ها

۱۰۳. **عَيْنُ الصَّحِيحِ،**

- ۱ لا يَلْمُ لنا إِلا ما عَلَّمنا أَسْأَلُنا العالِمَ: علم از آن ما نیست مگر آنچه از استاد دانشمندان آموختیم.
- ۲ لیت ایام الظُّلَّةِ طويلاً لِأني أريدُ أن أستريح، شاید روزهای تعطیل طولانی شوند بی‌گمان من نیاز به استراحت دارم.
- ۳ كَأَنَّ البائعَ يُريدُ أن يبيعَ هذا القميصَ، فروشنده می‌خواست پیراهن را بفروشد.
- ۴ أَعْلَى العُلَّاتِ يُعاهدونَ أَسْأَلُناهم عَلى أن لا يَكْذِبوا، امید است که دانش‌آموزان با استادشان پیمان ببندند که دروغ نگویند.

۱۰۴. **عَيْنُ الصَّحِيحِ،**

- ۱ تشغُر جَدِّي بِألمٍ شديدٍ في رِجلِها ولكنَّها لا تراجعُ الطَّبيبَ، مادر بزرگم احساس درد شدیدی دارد، ولی به پزشک مراجعه نمی‌کند.
- ۲ أقومُ بالاستفادة من الحبوب المسكَّنة لأنَّ لي فُداً شديداً، زیرا استفاده از قرص مسکن پرداختم، زیرا سردرد شدیدی دارم.
- ۳ لا تُعجلُ في معاتبة المذنب لعلَّ الله يُريدَ أن يغفر ذنبه، در سرزنش گناهکار شتاب نکن شاید خداوند بخواد گناه او را ببامزد.
- ۴ فلما رأى القوم عدالة الملك طلبوا البقاء تحت رايته، قوم وقتی عدالت پادشاهشان را دیدند ماندن در زیر پرچم او را خواستند.

۱۰۵. **عَيْنُ الصَّحِيحِ،**

- ۱ لا يُتقدُّ اليأسُ في قلب العبد الصَّالح: هیچ یاسی در دل بنده صالح نفوذ نمی‌کند.
- ۲ لِمَ لا يَهْتَمُّ المُشْتَهِزُّونَ مُذَلَّةَ المُشْتَهِزِّينَ بهم، چرا مسخره‌کننده‌گان به شأن و منزلت مسخره‌شوندگان توجه نمی‌کنند؟
- ۳ قَدْ تَعَلَّمْتُ أُخْبِي أن لا تشتغلُ في معاتبة المذنب، به خواهرم یاد دادم که در سرزنش کردن گناه‌کار نباید عجله کند؟
- ۴ لا شابَّ إِلا أن يُدافعَ عن الوطن في الحرب الفروضة، هیچ جوانی وجود ندارد که در جنگ تحمیلی از وطنش دفاع نکند.

(سراسری تهری ۹۳)

۱۰۶. **عَيْنُ الصَّحِيحِ،**

- ۱ قبل كلِّ شيءٍ يُعتمدُ القدرة على العقل، قدرت قبل از هر چیز بر عقل تکیه دارد.
- ۲ تعلم كثيراً من الأشياء و لكنَّها ليست في ذاكرتنا، یا این که خیلی چیزها را می‌دانیم، ولیکن آن‌ها را به یاد نمی‌آوریم.
- ۳ إنَّ الأسرة مؤثرة كثيراً في تربية أبنائها بلا شك، بدون تردید خانواده‌ها تأثیر فراوانی در تربیت فرزندانشان خواهند داشت.
- ۴ كيف قدرت أن تحفظ الواردة في غضاضة في هذا الجوّ الحارّ: در این هوای گرم چگونه توانستی گل را تازه نگاه‌داری.

۱۰۷. **عَيْنُ الصَّحِيحِ،**

- ۱ لا تُفكرُ في هذا الموضوع أبداً بأننا ماذا لا نملك، هرگز نباید به این موضوع بیندیشیم که چه نداریم.
- ۲ و تعلمُ لا مشكلة قادرة أن يحيي الإنسان أمام الصعوبات، و می‌دانیم که مشکل قادر نیست انسان را مقابل سختی‌ها خم کند.
- ۳ إنَّ الحياة دقائق و ثوابٌ و لا يبغى التبرُّر و لا الحزن، قطعاً زندگی دقیقه‌ها و ثانیه‌هاست و شادی و اندوه باقی نمی‌ماند.
- ۴ ولكن التصدق صفة جميلة و لا شيء أجمل منها، ولی راستگویی ویژگی زیباست و هیچ چیز زیباتر از آن نیست.

۹۸. عین الخطأ:

- ۱ لعن صديقي الحنون يقبل دعوتي للحضور في الحفل. شاید دوست مهربانم دعوت مرا برای حضور در جشن بپذیرد.
- ۲ حاسبوا أعمالكم في نهاية كل يوم حتى تتقدموا कारهایتان را در پایان هر روز محاسبه کنید تا پیشرفت کنید.
- ۳ إنا نحن نزلنا عليك القرآن، قطعاً ما قرآن را بر تو فرود آورده‌ایم.
- ۴ ليت التلميذ المشاغب استمع إلى كلام المعلم بدقة. ای کاش دانش آموز اخلال‌گر به سخن معلم با دقت گوش فرا دهد.

۹۹. عین الخطأ:

- ۱ لعن والدك يشارك في حفلة تخروجي الخميس المقبل. شاید پدرت پنج شنبه آینده در جشن دانش‌آموختگی‌ام شرکت کند.
- ۲ لا تحرم علي أنفسنا أبداً ما أحلله الله. نباید هرگز آنچه را که خداوند آن را حلال کرده است، بر خودمان حرام کنیم.
- ۳ هل تعلمون يا إخواني أن ليلة القدر خير من ألف شهر؛ أي برادران من، آیا می‌دانید که شب قدر بهتر از هزار شب است.
- ۴ ليتني نجحت في امتحان الفيزياء، لأنه كان ضعيفاً جداً. کاش من در امتحان فیزیک قبول می‌شدم، زیرا آن واقعا سخت بود.

۱۰۰. عین الخطأ:

- ۱ دواءنا فينا ونحن ما نبصره. درمان ما در خود ماست و ما آن را نمی‌بینیم.
- ۲ و دأبنا أيضاً ميتاً ونحن لا نشعرُ به؛ و درد ما نیز از خود ماست و ما آن را احساس نمی‌کنیم.
- ۳ أنتم تزعجوننا أننا جرم صغير جداً. آیا گمان می‌کردید که ما بیکری بسیار کوچک هستیم.
- ۴ و فينا إنطوى عالم أكبر، و در حالی که جهانی بزرگ در ما پیچیده شده است.

۱۰۱. عین الخطأ:

- ۱ لا طفل في هذه الحفلة لأن كل الشيوخ من العلماء. هیچ طفلی در این جشن نیست برای این که همه مهمان‌ها از دانشمندان هستند.
- ۲ أنت تدرسين في هذه الجامعة؟ لا، لكنني أدرس في جامعة أخرى. آیا تو در این دانشگاه درس می‌خوانی؟ نه، ولی من در دانشگاه دیگری درس می‌خوانم.
- ۳ ذلك كتاب لا زلت في صديقي كتوباته. آن کتابی است که در درستی نوشته‌هایش تردید ندارم.
- ۴ لا يخرنك قول الجاهل واعلمي أن الله لا يحب الجاهلين. گفتار نادان تو را شگین نکند و بدان که خداوند نادانان را دوست ندارد.

یادگیری سؤال تعریب از اهداف کتاب‌های درسی نظام جدید نیست؛ ولی از آن‌جایی که در کنکور سراسری سال ۹۸ نمونه‌ای از این نوع سؤال در همه رشته‌ها داده شده بود، بهتر است با این نحوه سؤال نیز آشنا شوید. روش یادگیری این نوع سؤال تفاوتی با ترجمه‌های تک عبارتی ندارد.

۱۰۲. عین الصحيح في التعريب:

- «آیا می‌دانی چرا نتوانستم درس‌های بسیاری از کتاب عربی را یاد بگیرم»
- ۱ آ تعلمین لماذا لا أستطيع أن أتعلّم دروساً كثيرة من الكتاب العربيّ.
 - ۲ هل تعلم لماذا لم أستطيع أن أتعلّم الدرّس الكثير من الكتاب العربيّ.
 - ۳ آ تعلم لماذا لا أستطيع أن أتعلّم الدروس الكثيرة من الكتاب العربيّ.
 - ۴ هل تعلمین لماذا لم أستطيع أن أتعلّم دروساً كثيرة من الكتاب العربيّ.

۱۰۳. دانش‌آموزان کلاس ما موفق شدند در امتحانات پایان سال بهترین نتایج را به دست آورند»

- ۱ تجحوا تلاميذ صُنّا أن يحصلوا على النتائج الحسنة في امتحانات نهاية السنة.
- ۲ طلاب صُنّا تجحوا أن يحصلوا على أحسن النتائج في امتحانات نهاية السنة.
- ۳ طالبات صُنّا تجحوا أن يحصلوا على أحسن النتائج في الامتحانات نهاية السنة.
- ۴ تجحّن طالبات صُنّا أن يحصلن على أحسن النتائج في امتحانات نهاية السنة.

آزمون سطح متوسط درس اول

آزمون

		الف. مهارت واژه‌شناسی:
(۲ نمره)	<p>۱۰۴. ترجمهٔ کلماتی التي تحتها خط.</p> <p>(۱) بحثت عن معني الغتارة في المعجم. —————</p> <p>(۲) إن الله لا يضيع أجر المحسنين. —————</p>	(۲ نمره)
(۲ نمره)	<p>۱۰۵. اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة زائدة)</p> <p>(الحفلة / الداء / البضاعة / الصحة / الاحتفال)</p> <p>(۱) _____ = _____</p> <p>(۲) _____ ≠ _____</p>	(۲ نمره)
(۲ نمره)	<p>۱۰۶. عين الكلمة الغريبة في التفتي.</p> <p>(۱) المشتري - المتردد - البضاعة - السيرام - البنيغ. —————</p> <p>(۲) أجمل - خير - أغنى - أبيض - أقل. —————</p>	(۲ نمره)
(۲ نمره)	<p>۱۰۷. اكتب مفرداً أو جمع الكلمتين.</p> <p>الجرم: _____</p> <p>الجلود: _____</p>	(۲ نمره)

		ب. مهارت ترجمه به فارسی
(۷ نمره)	<p>۱۰۸. ترجم الجمل التالية إلى الفارسية.</p> <p>(۱) (إن الله لذو فضل على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون) ۰/۷۵</p> <p>_____</p> <p>(۲) داؤنا فينا و لا تنظرن إليه ؛ داؤنا مئا و لا تشقرن به ۱</p> <p>_____</p> <p>(۳) أ تعلمون أنكم خيلتم من طين وأنطوى فيكم العالم الكبير ۰/۷۵</p> <p>_____</p> <p>(۴) ليت فريقهم فائز في مسابقة كرة المنضد ۰/۵</p> <p>_____</p> <p>(۵) لا عزة إلا لله و لا عمل أنفع من مساعدة الآخرين. ۰/۵</p> <p>_____</p> <p>(۶) لن تجتمع في المؤمن خصلة البخل و الكذب. ۰/۵</p> <p>_____</p> <p>(۷) (كل طعام لا يذكر اسم الله عليه قانما هو داء و لا برزخه فيه) ۱</p> <p>_____</p>	(۷ نمره)
(۲ نمره)	<p>۱۰۹. إنتخب الترجمة الصحيحة.</p> <p>۱. و جعلنا السماء سقفا محفوظا.</p> <p>الف) آسمان را سقفي نگه داشته شده قرار دادیم.</p> <p>۲. ليثني أشاهد جميع مدن بلادها</p> <p>الف) کاش همه شهرهای کشورم را می دیدم</p> <p>ب) کاش همه شهرهای کشورم را بینم</p>	(۲ نمره)
(۷ نمره)	<p>۱۱۰. قتل الفراغات في الترجمة الفارسية.</p> <p>(۱) بعض العناصر كالتحاس فوقيل للحرارة بعضى عناصر همچون _____ ؛ برای گرما هستند.</p> <p>(۲) قد أفلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون مؤمنان ؛ همانان که در نمازشان _____ هستند.</p> <p>(۳) يا أيها الرسول لا تحزنك الذين يسارعون في الكفر. أى پیامبر، کسانی که در کفر _____ تو را _____ .</p>	(۷ نمره)

		ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد
(۷/۵ نمره)	<p>۱۱۱. ترجمهٔ کلماتی التي تحتها خط.</p> <p>(۱) هل تراهم خيلقوا من فسيه. _____</p> <p>(۲) لا تغشبت إن الغشبت ففسدة. _____</p> <p>(۳) كآتهم الياقوت و المرجان _____</p> <p>(۴) ليت صديقتي ابتعدت عن الكسل. _____</p>	(۷/۵ نمره)
(۱ نمره)	<p>۱۱۲. عين اسم الحروف المشبهة بالفعال و غيرها؛ ثم اذكر إعرابهما.</p> <p>كان إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرك. _____</p> <p>_____</p>	(۱ نمره)

١١٣. عَيْنَ اسْمٍ لَا التَّائِيَةَ لِلْجِنْسِ وَ خَبْرَهُ
لا تَمْتَزَّ أَغْنَى مِنَ التَّائِيَةِ. _____
١١٤. تَرْجِمَ مَا أَشْبَهَ إِلَيْهِ بِخَطِّهِ، ثُمَّ عَيَّنَ تَوْعًا لَا فِيهِ
(١) قَالُوا لَا يَعْلَمُ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ
(٢) لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ
١١٥. أَكْتُبْ مَا طَلِبْتَ مِنْكَ.
(١) أَوْ حَسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.
(الف) افعل المزيد الثلاثي، _____
(٢) رَبَّنَا وَلَا تُحِثْ عَلَيْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا.
(الف) لا التائيه للجنس، _____
١١٦. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةَ.
(الف) لَعَلَّ الْمُذْنِبَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، _____
(ب) التَّغْفِيرُ، _____
(ج) لِيَتَّفِقُوا هَذَا الْمَوْضُوعَ، _____
(د) أَقْهَمْتَ سِرَّ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ، _____
(هـ) كَانُوا يَقْبَلُونَ كَلَامِي، _____
(و) كُنْتُمْ قَدْ قَبِلْتُمْ أَوْلَادَكُمْ، _____
(ز) قُطِعَتْ الشَّجَرَةُ، _____
(ح) الإِتْقَاعُ، _____
١١٧. اذْكَرِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ
(١) أَلْتَأَسُّ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَامُ
(٢) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ضَمًّا كَأَنَّهُمْ بُتِيانٌ مَرْصُوعٌ.

د. مهارات درك و فهم (٣٣ نمره)

١١٨. (الف) ضَعِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَةَ الْأُنْسَابِيَّةَ (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)
(ضَلَّ / لِأَثَارَةٍ / التَّفَاخُرُ / رِيْبٌ / قَصِيْرٌ)
١. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا _____ فِيهِ.
٢. اللَّهُ أَعْلَمُ بِقَمِّ _____ عَنْ سَبِيلِهِ.
(ب) عَيَّنِ الصَّحِيْحَ وَالْخَطَّاءَ حَسَبَ الْوَاقِعِ.
١. قَدْ نَسْتَفِيْحُ أَنْ نَبْحَثَ مَعْنَى الْكَلِمَاتِ فِي السَّعْجِمْ لِأَنَّ مَعْنَى بَعْضِ الْكَلِمَاتِ مَكْتُوبَةٌ فِيهِ.
٢. الْعِظْمُ خَيْطٌ أَبْيَضٌ بَيْنَ اللَّحْمِ وَالْعَضِيْبِ.
١١٩. إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَطَائِلِبَ مِنْكَ،
«وَقَدَّرَ كُلُّ الْفَرِيْءِ مَا كَانَ يُحْيِيْنُهُ فَكُرَّ يَوْمَ لَمْ يَلْمُ وَ لَا تَطَلَّبَ يَوْمَ تَدَلَّ»
(١) أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.
الف. مَا هِيَ قِيْمَةُ الْإِنْسَانِ؟ _____
(٢) عَيَّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيْحَةَ وَفِيْزِ الصَّحِيْحَةَ حَسَبَ النَّهْيِ.
الف. أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءٌ لِأَنَّهُمْ ذُو عَمْرِ طَوِيْلٍ.
ب. طَلِبُ الْعِلْمِ سَبَبٌ فَوْزِ الْإِنْسَانِ.
(٣) عَيَّنِ الْمُتَضَادِّيْنَ فِي هَذِهِ الْعِبَارَاتِ، _____ = _____
- ب. بِمِ يَنْشِبُهُ الْفَائِلُ التَّاسِعُ؟ _____
الف. أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءٌ لِأَنَّهُمْ ذُو عَمْرِ طَوِيْلٍ.
ب. طَلِبُ الْعِلْمِ سَبَبٌ فَوْزِ الْإِنْسَانِ.
(٣) عَيَّنِ الْمُتَضَادِّيْنَ فِي هَذِهِ الْعِبَارَاتِ، _____ = _____

هـ. مهارات متكلمه (٥/٠ نمره)

١٢٠. اكْمَلِ الْفَرَاغَ فِي السُّؤَالِ وَالْجَوَابِ
(١) _____؟ لَا، أَنَا أَكْتُبُ وَاجِبَانِي يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ
(٢) لِمَاذَا تَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ؟ _____



آزمون سطح دشوار ۱ درس اول

آزمون

	الف. مهارت واژه‌شناسی:	(۲ نمره)
(۰/۵)	۱۲۱. ترجم الكلمات التي تحتها خطاً. (۱) <u>انطوى العالم الأكبر في الإنسان.</u> (۲) <u>الذين يقاتلون في سبيل الله كفتياناً عرصوصي.</u>	_____
(۰/۵)	۱۲۲. اكتب في الفراغ الكلمتين المتضادتين و الكلمتين المتضادتين. (كلماتان زايدتان) (البعث - زعم - ميت - ظن - حي - الأحياء)	(۱) _____ = _____ (۲) _____ ≠ _____
(۰/۵)	۱۲۳. عين الكلمة الغريبة في المعنى. (۱) الرجال - الآباء - الأيدي - الأمهات - البنات (۲) البخل - الحسد - الكذب - الغضب - الجهل	_____
(۰/۵)	۱۲۴. اكتب مفرداً أو جمع الكلمتين. مفرد الجهال. _____ جمع قيمة. _____	_____

	ب. مهارت ترجمه به فارسی:	(۷ نمره)
(۰)	۱۲۵. ترجم الجمل التالية إلى الفارسية. (۱) <u>أمر الله رسوله بأن الذين يسارعون في التكفر لا يحزنوه.</u> ۰/۷۵ (۲) <u>ليث المطر ينزل في فصل الشتاء و تصبح الأشجار خضرة لعل تلوث الهواء يزول.</u> ۱ (۳) <u>لعل المشتري يتردد في شراء البضائع ولكن البائع يشجعه على بيوها.</u> ۱ (۴) <u>لا نجد بالعلم بدلاً لذلك قيل: الناس موتى و أهل العلم أحياء.</u> ۱ (۵) <u>لا داء إلا دواءه فينا ليتنا نبيسره.</u> ۰/۷۵ (۶) <u>نبحث عن معنى الكلمات في المعجم لعلها مكتوبة فيه.</u> ۰/۵	_____
(۰/۵)	۱۲۶. ۱. انتخب الخطأ في الترجمة. ليث صدقاتي ابتعدن عن الكسل. كاش دوستانم از تنبلی _____ الف) دوری می کردند. ب) دوری کرده بودند. ج) دوری کنند. ۲. انتخب الترجمة الصحيحة. إنا جعلناك قرآناً عربياً لعلكم تعقلون. بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم _____ الف) امید است شما می‌اندیشید. ب) امید است شما خردورزی کنید.	_____
(۰/۵)	۱۲۷. كمل الفراغات في الترجمة الفارسية. (۱) <u>لا علم لنا إلا ما علمتنا.</u> (۲) <u>تراهم خلقوا من طين.</u> (۳) <u>ما أبرئ نفسي إن النفس لأمارة بالسوء.</u>	جز آنچه _____ ، هیچ _____ نداریم. آنان را _____ از _____ آفریده شده‌اند. نفسم را _____ همانا نفس، _____ به بدی است.

	ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد:	(۷/۵ نمره)
(۱)	۱۲۸. ترجم الأفعال حسب القواعد. (۱) <u>كان إرضاء جميع الناس غاية لا تدرك.</u> _____ (۲) <u>ليتني أشاهد جميع مدن بلاده.</u> _____	(۲) <u>قام أبائنا بأمور يعرفونها.</u> _____ (۳) <u>إن الله لا يضيع أجر المحسنين.</u> _____

١٢٩. عَيَّنِ اسْمَ الحَرْفِ المِشْبَهَ بِالفِعْلِ وَ خَبِّرْهُ؛ ثُمَّ اذْكُرْ إِعْرَابَهُمَا.
 إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ. _____
 يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيلاً. _____
١٣٠. عَيَّنِ اسْمَ لا التَّافِيهِ لِلجِنْسِ وَ خَبِّرْهُمَا
 لا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ. _____
١٣١. تَرْجِمِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّهِ؛ ثُمَّ عَيِّنِ نَوْعَ لا فِيهِ.
 كُلُّ طَعَامٍ لا يَذْكُرُ اسْمَ اللّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لا بَرَكَةٌ فِيهِ. _____
١٣٢. اَكْتُبِ مَا طُلِبَ مِنْكَ.
 (١) جادِلْهُمْ بِأَنِّي هِيَ أَحْسَنُ.
 الف. المصدر لفعل «جادول» _____
 (٢) وَ لا تَخْزُتْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ العِزَّةَ لِلّهِ جَمِيعاً.
 الف. نوع «لا» _____
١٣٣. تَرْجِمِ الكَلِمَاتِ المُعَيَّنَةَ.
 الف. حَافِظُوا عَلَى أداءِ واجباتكم؛ _____
 ب. جعلنا السماءَ سقفاً عَظُوفاً ؛
 ج. المُغْتَمِّمِ ؛ _____
 د. كَرَّرْتُ هَذَا المَوْضُوعَ لِيَتَفَهَمُوا؛ _____
١٣٤. اذْكُرِ المَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.
 (١) أَحْسِنُوا إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ المُحْسِنِينَ. _____
 (٢) ذَلِكَ الكِتَابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ. _____

(٣٣ نمره)

د. مهارت درک و فهم

١٣٥. ضَعِ فِي الفِرَاقِ الكَلِمَةَ المُنَاسِبَةَ (كَلِمَةٌ زَائِدَةٌ)
 (أسرى / لأمانة / امرئ / طاقة / خاشعون)
١. قَدَّرْتُكَلْ — ما كان يُحْسِنُهُ.
 ٢. سبحانَ الَّذِي — بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ المَسْجِدِ الحَرَامِ إِلَى المَسْجِدِ الأَقْصَى.
 ٣. المؤمنونَ الَّذِينَ فِي صَلَاتِهِمْ — .
 ٤. رَبَّنَا وَ لا تُحْمَلِنَا ما لا — لَنَا.
- ب. عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَ الخَطَأَ حَسَبَ الوَاقِعِ.
 ١. الإنسانَ لأُمِّ وَ أبٍ وَ لِيَتَفَاخَرُ بِالنَّسَبِ.
 ٢. الفَنَاءَةَ مِنَ أغْنَى الكُنُوزِ.

١٣٦. إِعْرَابِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَجِبْ عَمَّا طُلِبَ مِنْكَ،
 «التُّحَّاسُ عُتْسُ فِلْزِي كَالْحَدِيدِ مُوقِشٌ لِلحَرَارَةِ وَ الكَهْرَبَاءُ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا فِي صِنْعِ بَعْضِ الطَّرِيقِ وَ فِي صِنَاعَةِ الكَهْرَبَاءِ هَذَا العِنَصُ يُسْتَخْرَجُ مِنَ المَعَادِنِ وَ يوجَدُ أَحَدٌ مِنَ مَعَادِنِهِ الثَّمِينَةِ فِي مَحَافِظَةِ كَرْمَانَ هُنَاكَ عَنَاصِرُ فِلْزِيَّةٍ أُخْرَى وَ لَكِنْ لا يَسْتَفِيدُ مِنْهُ فِي صِنَاعَةِ الكَهْرَبَاءِ بِسَبَبِ غُلُوقِهِ»
 (١) أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ،
 الف. مِن أَيْنَ يُسْتَخْرَجُ التُّحَّاسُ؟ _____
 (٢) عَيِّنِ العُجْمَةَ الصَّحِيحَةَ وَفِيهِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ النَّهْيِ،
 الف. لا يوجَدُ مَعَدُنُ التُّحَّاسِ إِلا فِي مَحَافِظَةِ كَرْمَانَ
 ب. الذَّهَبُ مِنَ عَنَاصِرِ مُوقِشِ الحَرَارَةِ وَ لَكِنْ يَمْعَرُ غَالِي.
 (٣) ما هُوَ مُتَضَادُّ «غُلُوقٌ» ؟ وَ ما مَعْنَى «مُوقِشٌ»؟ _____
- ب. لِمَاذَا يُسْتَفَادُّ مِنَ الحَدِيدِ وَ التُّحَّاسِ فِي صِنَاعَةِ الكَهْرَبَاءِ؟ _____

(٥/٠ نمره)

هـ. مهارت مکالمه

١٣٧. رَتِّبِ الكَلِمَاتِ ثُمَّ اكْتُبِ جُمْلَةً مُنَاسِبَةً.
 قَسِيرٌ - لَأَنَّ - طَوِيلٌ - حَي - لَيْتَ - الرِّبِيْعُ - هُنَا - فَضْلٌ - بَلَدِنَا - الرِّبِيْعُ

آزمون سطح دشوار ۲ درس اول

	الف. مهارت واژه‌شناسی:	(۶ نمره)
(۶۰)	۱۳۸. تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ أ تَزَعَّمْ أَتَكَ جَزَمَ صَغِيرًا	_____
(۶۰)	۱۳۹. اجْعَلِ الْعَلَامَةَ الْمُنَاسِبَةَ (- : +) (۱) الذَّاءُ - الضَّحَّةُ (۲) يَكْتُمُ - يَسْتَكْرِ	_____
(۶۰)	۱۴۰. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) طَوِيلٌ - قَصِيرٌ - سَبِيلٌ - جَمِيلٌ - رَخِيسٌ (۲) شَكٌّ - زَيْبٌ - [كِرَاهٌ - خَيْرٌ	_____
(۶۰)	۱۴۱. اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ. الْفَوْسُ، _____ عَظْمٌ، _____	_____
		ب. مهارت ترجمه به فارسی
(۵)	۱۴۲. تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ (۱) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَمًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانًا مَرصُوسًا (۲) عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ دَوَاءَ الْإِنْسَانِ فِيهِ وَ مَا يُبَيِّرُ وَ دَاوُهُ مِنْهُ وَلَا يَشْفُرُ. (۳) النَّاسُ مِنْ أَبِي وَ أُمِّ وَ تَرَاهُمْ حُلِقُوا مِنْ طَيْبَةٍ هَلْ يَسُوئُ لَحْمٌ وَ عَظْمٌ وَ عَضْبٌ. (۴) كَانُ صَدِيقِي مُتَرَدِّدًا فِي شِرَاهِ الْبِضَاعَةِ؛ وَ هَلِ الْبَائِحُ عَازِمٌ عَلَى تَبِيعِهَا؟ (۵) (وَ جَادَلْتُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِقُلُوبِ مَنْ صَلَّى عَنْ سَبِيلِهِ)	_____
(۶۰)	۱۴۳. اِنتْخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱. كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُذْرَكُ. الف) گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی آید. ب) گویی خشنود کردن همه مردم، هدفی است که آن را به دست نمی آورند. ۲. لَيْتَ فَرِيقِي الْمَحْبُوبِ يَنْجِيخُ فِي الْمُسَابَقَةِ الف) کاش تیم محبوب من در مسابقه پیروز شود. ب) کاش تیم مورد علاقه من در مسابقه پیروز می شد.	_____
(۷۰)	۱۴۴. كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ (۱) الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا مَرصُوسًا - کسانی که در راه خدا _____ همچون _____ هستند. (۲) وَ لَا يَخْزِيكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ أَمْرًا إِلَهُ جَمِيعًا كَقَتَارِشَانِ تُو رَا _____ ؛ زِيرَا _____ هَمَّةٌ مِنْ خِدَاسَتِ. (۳) زَيْنًا وَ لَا تُحَقِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِرُورِدِ كَارًا، أَنِجْه رَا كَه هِيَجْ - نداریم بر ما _____ .	_____
		ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد
(۶۰)	۱۴۵. عَيِّنِ اسْمَ الْحَرْفِ الْمَشْبَهِ بِالْفِعْلِ وَ خَبْرَهُ؛ ثُمَّ اذْكُرْ اِعْرَابَهُمَا (۱) لَعَلَّ بَعْضَ الْكَلِمَاتِ مَكْتُوبَةٌ فِي الْمَعْجَمِ . (۲) إِنَّ النَّحَّاسَ كَالْحَدِيدِ مُؤَسَّلٌ لِلخِرَازَةِ وَ الْكُهْرِبَاءِ.	_____
(۶)	۱۴۶. عَيِّنِ اسْمَ لَا التَّائِيَةَ لِلجِنْسِ وَ خَبْرَهَا. لا علم لنا إلا ما نقلت لنا.	_____
(۶)	۱۴۷. تَرْجِمِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِعَطْفٍ؛ ثُمَّ عَيِّنِ تَوْعَ لَا فِيهِ. (۱) فَهَذَا يَوْمٌ التَّبَغُّثِ وَ لَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ (۲) وَلَا تَسْأَلُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْأَلُوا اللَّهَ	_____
(۶)	ترجمه: _____ نوع لا: _____	_____
(۶)	ترجمه: _____ نوع لا: _____	_____

١٢٨. أكتب ما طلبت منك.
- (١) في الإنسان انطوى العالم الأكبر.
الفعل المزيد الثلاثي: _____
ب. اسم التفضيل: _____
- (٢) وما أبزى نلسي إن التلس لأقارة بالشوم إلا ما زجم رعي.
الفعل المحلل الإعرابي «رعي»: _____
ب. المتعول: _____
١٢٩. ترجم الكلمات المعينة.
- الف. قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُفْسِنُهُ: _____ ب. أَمْسِنُوا: _____
ج. لَيْتَنِي اسْتَضْفَرْتُ: _____ د. الضَّفَارَةُ: _____
هـ. لَنْ يُمْلِسَنَ: _____ و. إِمْلَسْ: _____
ز. لَصَلَّهُمْ يُسَارِعُونَ: _____ ح. كَانَ قَدْ أُسْرِيَ: _____
١٣٠. أعرب ما أشير إليه بخط.
- كُز يَعْلَمُ وَ لَا تَطْلُبُ بِهِ بَدَلًا فَالْتَأَسُّ مَوْتِي وَ أَهْلُ الْوَلَمِ أَحْيَاءُ.

د. مهارات درك و فهم (٣٣ نمره)

١٥١. الف. ضع في الفراغ الكلمة المناسبة. (كلمة زائدة)
- (مفسدة / زيب / بركة / أكفاء / محفوظا)
١. التأس من جهة الآيا .
٢. لا _____ في طعام لا يذكر اسم الله عليه.
٣. وجعلنا السماء سقفاً .
٤. إن الغضب _____ .
- ب. عيّن الصحيح و الخطأ حسب الواقع.
١. لبحترم و الدين و معلمينا و إكرامهم واجب علينا.
٢. إن الزبيح في كل البلاد قصير.
١٥٢. اقرأ العبارات التالية ثم أجب عما طلبت منك.
- أبها الفاجر جهلاً بالتسبب إنما الناس لأثم و لأب
هل تراهم خلقوا من يثية أم حديد أم نحاس أم ذهب
بل تراهم خلقوا من طينة هل يبوئ لحم و عظم و عصب
إننا أنفخ لبعقل ثابت وحياء و عقاب و أدب
- (١) أجب عن الأسئلة.
- الف. هل يختلف الناس في الخلق؟ _____ ب. ما يقول الشاعر للفاخر بالتسبب؟ _____
- (٢) عيّن الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب النص.
- الف. ليس التفاخر بالتسبب مذموم ليس الفخر لعقل و أدب.
ب. خُلِقَ الإنسان من تراب و عناصر نمنية.
٣) عيّن في النص «المجهول» و ماهو المحلل الإعرابي لـ «هم» في «تراهم»؟ _____

هـ. مهارات مكانة (٥/٠ نمره)

١٥٣. رتب الكلمات ثم اكتب جملة مناسبة.
- «مثل - الجهل - لا - التفكر - من - أشد - فقر - عبادة - لا»
- _____



۱. گزینه ۳ «سافذ و اعان» مترادف هستند به معنی کمک کرد بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. «بوی» غیره مترادف و «لغض» کم شده و «زاد» زیاد شده متضاد هستند. ۲. «الذام» بیماری و «العافیة» (تندرستی) متضاد و «یضغ و یضغُل» قرار می‌دهد مترادف‌اند. ۳. «مدموم» ناپسند و «محموم» پسندیده و متضاد و «الظن و اُظْمُن» گمان می‌کنیم مترادف هستند.

۲. گزینه ۱ «إبتغى» دور شده و «اقترب» نزدیک شده متضاد هستند بررسی سایر گزینه‌ها: ۲. «القیة» مرده و «الحیة» زندگی متضاد نیستند بلکه متضاد آن «حی» زنده است. ۳. «امرئ» انسان و «النساء» زنان مترادف نیستند. ۴. «إكراه» اجبار و «حُب» دوست داشتن متضاد نیستند.

۳. گزینه ۳ در این عبارت «طینه کَل سرشت» و «لحم گوشه» و «عظم استخوان» و «عقب پی» عصب به این معانی هستند و دو کلمه متضاد در آن به کار رفته است. ۱. «نؤی» مردگان و «أحیاء» زندگان متضاد هستند. ۲. «صغیر» کوچک و «الکبیر» بزرگ متضاد هستند. ۴. «أبو» پدر و «الأم» مادر متضاد هستند.

۴. گزینه ۱ جمع «العظم» استخوان «العظام» است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۲. «الغیظ» نخ و «الغیاط» خیاطه مفرد هستند. ۳. «أیض» سفید و مؤنث آن «بیضاء» و هر دو مفرد هستند. ۴. «مفسدة» مایه تباهی و «مفسدین» تبهاران» به این معانی است.

۵. گزینه ۳ با توجه به مفهوم عبارت که می‌گوید: پروردگارا به من چیزی را که طاقت آن را ندارم تحمیل نکن کلمه «طاققة» درست است. ۱. هیچ فقری سخت‌تر از فکر کردن نیست نادرست است و هیچ عبادتی مثل نادانی نیست (در جای خالی اول کلمه «الجَهْل» و در جای خالی دوم کلمه «الفتکرة» صحیح است). ۲. «الشَّیْء» شنبه برای جای خالی مناسب نیست (معنی جمله، از خدا می‌خواهم که مرا در روز قیامت بخوار نکند). ۳. فقر فروشی به اصل و نسب پسندیده است که جمله نادرست است و کلمه مناسب برای جای خالی «مدموم» است.

۶. گزینه ۳ «مفسدة» مایه تباهی» صحیح است.

۷. گزینه ۲ «لیث» یکی از «حروف مشبهة بالفعل» است و برای تمثی و بیان آرزو به کار می‌رود. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. خطهایی در بدن انسان و حیوان است و حی در آن جاری است که پاسخ صحیح «الغضب» است. ۳. باز سنگ‌های زیبا با رنگ سفید است که ویژگی مربوط به «ذَر» مروریده است. ۴. هدیه که انسان همیشه آن را به دست می‌آورد برای راضی کردن مردم در این‌جا نادرست است.

۸. گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. ابخت: جست‌وجو کن. ۲. حَقَلتا: آفریده شدیم. ۳. العالم الأكبر: جهان بزرگ‌تر.

۹. گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: ۲. «نمی‌سوزانند (نسوزانده بودند)» و «مسافرت کننده» (فعل مضارع در جمله دارای «لیث» و «لعل» به صورت مضارع انترامی ترجمه می‌شود و فعل ماضی در جمله دارای لیت و لعل به صورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شود) ۳. نباید تو را اندوهگین سازد (ولای نهی در صیغه‌های سوم شخص و اول شخص یا «باید» ترجمه می‌شود).

۱۰. گزینه ۴ «نا» متصل به فعل مضارع نقش مفعول را دارد و فعل به صورت سوم شخص بکار رفته است. ترجمه درست آن «رهایمان نکن».

۱۱. گزینه ۳ «مُجیب» برآورنده اسم فاعل است.

۱۲. گزینه ۲ جمع «لحم» لحمه است.

۱۳. گزینه ۱ کلمات «زُئِمَا» و «أَقْل» یا هم متضاد نیستند، بلکه با هم مترادف هستند و به معنای «شاید» هستند بررسی سایر گزینه‌ها: ۲. فعل «تَجَبَّرَ» از باب «إفعال» است و مصدر آن «تَجَبَّرَ» است. ۳. «چرم» پیکره است. مفرد است و جمع آن «أجرام» می‌باشد. ۴. «أحیاء» جمع مكثر «حَیَّة» می‌باشد.

۱۴. گزینه ۴ در گزینه ۴ آمده است که: «آبیوه گیری مکانی است که در آن اشیاء قدیمی و باستانی محافظت می‌شود» چنین چیزی توضیح «القبارة» نیست، بلکه توضیح «متحف» موزه است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. «تعداد حروف مشبهة بالفعل» شش حرف است. ۲. «بعث» رستاخیز، قیامت به روزی اطلاق می‌شود که در آن اعمال انسان حسابرسی می‌شود. ۳. «گل به خاکی آمیخته با آب اطلاق می‌شود».

۱۵. گزینه ۲ سؤال از ما گزینه مناسب از لحاظ مفهوم با عبارت داده شده را خواسته است ترجمه عبارت داده شده: «در سخن و گفتار هیچ خبری نیست، مگر این که همراه عمل باشد» مفهوم این عبارت این است که سخن و گفتار ارزش چندانی ندارد و چیزی که مهم است کردار و عمل آدمی است و گرنه همه حرف زدن را بلد هستند. عبارت داده شده در گزینه ۲ نیز دارای چنین مفهومی است و با عبارت داده شده تناسب معنایی دارد.

۱۶. گزینه ۴ ترجمه شعر داده شده در صورت سؤال: «ای که نابردانه افتخار کننده به اصل و نسب (دودمان) هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرانده مفهوم این شعر این است که این که پدر و مادر ما چه کسانی هستند و اصل و نسب ما چیست، چندان اهمیت ندارد و نمی‌تواند مایه افتخار واقعی باشد، باید دید که ما خودمان که هستیم چه حرفی داریم و جوهر و هنر ما چیست. بیت‌های داده شده در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ نیز دارای چنین مفهومی هستند، اما بیت داده شده در گزینه ۴ چنین مفهومی را ندارد.

۱۷. گزینه ۲ در گزینه ۲ آمده است که «هیچ چیزی جهت زندانی شدن سزاوارتر از زیان نیست» درحالی که مفهوم بیت داده در مقابل آن توصیه به گفتن سخن نیکو و پسندیده است و این دو با هم ارتباط معنایی ندارند. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه ۱ آمده است که «خداوند اجر نیکوکاران را تباد نمی‌کنند» که با بیت داده شده تناسب دارد. در گزینه ۳ نیز آمده که «هیچ علمی نداریم جز آنچه که به ما یاد دادی» که با بیت داده شده قرابت معنایی دارد در گزینه ۲ نیز آمده که «هیچ گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست» که با شعر داده شده تناسب دارد.

۱۸. گزینه ۳ در گزینه ۳ آمده است که «هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست» که مفهوم آن چنین است که انسان باید قدران سلامتی خود باشد، اما شعر داده شده دارای چنین مفهومی نیست، بلکه دارای این مفهوم است که ارزش و منزلت انسان به لباسی که می‌پوشد نیست، بلکه ارزش هر انسانی به درون و باطن (سیرت) اوست.

۱۹. گزینه ۴ ترجمه گزینه‌ها: ۱. «ای که نابردانه افتخار کننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و پدر هستند.» این بیت دارای مفهوم کلیت آفرینش و خلقت انسان نیست. ۲. «آیا آنان را می‌بینی که از نرفه آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟» این بیت دارای مفهوم تفاوت بین جاهل و عاقل نیست. ۳. «بلکه آن‌ها را می‌بینی که از تکه گلی آفریده شده‌اند آیا به‌جز گوشت و پی و استخوان هستند؟» ۴. «افتخار تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است» در این بیت مفهوم به این موضوع اشاره نشده است که انسان باید به عقل افتخار کند و به دارایی افتخار نکند.

۲۰. گزینه ۳ سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که براساس واقعیت درست باشد. تحلیل: به ترجمه گزینه‌ها دقت کنید: ۱. «ارزش انسان به ثروتی است که با تلاش و کوشش به‌دست آورده می‌شود» جمله نادرست است چون ارزش انسان به ثروت نیست. ۲. «هیچ ارزشی برای کسی که علم را طلب می‌کند نیست و کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند برابرنده» این عبارت نیز نادرست است. ۳. «انسان عالمی کوچک است و جهان جهان بزرگی است» این عبارت کاملاً درست است. ۴. «چوب عنصر فلزی مانند آهن است که برای گرما رسانا است.» این جمله نیز نادرست است. بنابراین گزینه ۳ «۳» پاسخ درست است.

۲۱. گزینه ۳ سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که مفهوم آن اشتباه باشد. تحلیل: به ترجمه گزینه‌ها دقت کنید: ۱. «پس با علم رستگار شو و جایگزینی را طلب نکن پس مردم مردگان‌اند و دانشمندان زندگان‌اند» جمله به اهمیت و ارزش علم آموزشی دلالت می‌کند. ۲. «افتخار فقط برای عقلی ثابت، حیا، پاکدامنی و ادب است» قسمتی از عبارت به ادب انسان اشاره دارد. ۳. «ارزش هر انسانی به کارهای نیکویش است» در این عبارت به تکرار کارهای نیکو اشاره‌ای نشده است. ۴. «هیچ چیزی زیاتر از گذشت هنگام قدرت نیست.» دقیقاً به بخشش و گذشت اشاره دارد بنابراین پاسخ صحیح گزینه ۳ است.

۲۲. گزینه ۴ سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که سؤال و جواب با هم تناسب نداشته باشد. تحلیل: ۱. کدام غذا برکت ندارد؟ غذایی که نام خدا در آن یاد نشود. سؤال و جواب کاملاً مطابق هم هستند. ۲. برای چه بر ما واجب است که خشمگین نشویم؟ چون که در خشم تباهی است. سؤال و جواب مطابق هم هستند. ۳. چه کسی در زندگی رستگار شد؟ کسانی که در نمازشان فروتن هستند. سؤال و جواب مناسب هم هستند. ۴. کی فصل بهار در سرزمین شما



۱۰۲. گزینه ۴ نکات کلیدی: زمان فعل، نکره و معرفه / «آیا می‌دانی: أَ هَلْ تَعْلَمِينَ، تَعْلَمُ» / «توانسته‌ام: لَمْ أَشْتَطِعْ» (حرف لم + فعل مضارع - ماضی نقلی منفی) / «درس‌های بسیاری (نکره): دَرُوسًا كَثِيرَةً» / بررسی سایر گزینه‌ها: ۱. «لا أَشْتَطِعُ» مضارع منفی است به معنی «نمی‌توانم» ۲. «الدُّرُسُ الكَثِيرَةُ» مفرود است و نادرست نمی‌باشد. ۳. «لا أَشْتَطِعُ وَ الدُّرُوسُ الكَثِيرَةُ» نادرست‌اند.

۱۰۳. گزینه ۴ نکات کلیدی: مطابقت فعل و فاعل و اسم تفضیل «دانش‌آموزان - موفق شدند: طَلَابٌ - نَجَحُوا (نَجَحَ طَلَابٌ سَاءً) / «بهترین نتایج: (اسم تفضیل): أَحْسَنُ النَّتَائِجِ»

پاسخنامه آزمون سطح متوسط درس اول

۱۰۴. ۱) المعشارة، آبیوه‌گیری (۲ / (۲۵) لا يُشْبِعُ، تپاه نمی‌کند (۲۵)

۱۰۵. ۱) الخفلة = الاحتفال (۲ / (۲۵) الذاء = الضحة (۲۵)

۱۰۶. ۱) مَتَرَدِّدٌ (۲۵) واژه‌های اَشْتَرِي، خَرِيدَارٌ - الْبِضَاعَةُ، كَالَا - الْبِشْرَاءُ: خرید - التَّبِعُ، فَرُوش یا هم مرتبطند اما متردد: مردّد یا آنها همخوانی ندارد. ۲) أَيْبُش (۲۵) واژه‌های أَجْمَلٌ - خَيْرٌ أَشْفَى - أَفْلَحَ اسم تفضیل هستند اما أَيْبُش رنگ است.

۱۰۷. ۱) أَجْرَامُ (۲۵) الْجِلْدُ (۲۵)

۱۰۸. ۱) بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، (۲۵) ولی بیشتر مردم (۲۵) سیاست‌گذاری نمی‌کنند (۲۵)

۲) داروی ما در ماست (۲۵) بوما به آن نمی‌نگریم (۲۵) و درود ما از ماست (۲۵) و ما احساسش نمی‌کنیم. (۲۵)

۳) آیا می‌دانید شما از گلی (۲۵) آفریده شدید (۲۵) و جهانی بزرگ در شما به هم پیچیده شده است (۲۵)

۴) ای کاش تیم آن‌ها در مسابقه پینگ پونگ پیروز شود. (۲۵)

۵) هیچ سربلندی جز برای خداوند نیست (۲۵) و هیچ کاری سودمندتر از کمک به دیگران نیست. (۲۵)

۶) ویژگی بخل و دروغگویی (۲۵) در مومن جمع نخواهد شد. (۲۵)

۷) هر غذایی که نام خدا بر آن یاد نشود (۲۵) فقط بیماری است و برکتی ندارد. (۲۵)

۱۰۹. ۱. الف (۲۵) محفوظه، اسم مفعول «نگه داشته شده»

۲. ب (۲۵) لعل: شاید، امید است لیت: کاش

فعل مضارع در جمله دارای «لیت» و «لعل» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

۱۱۰. ۱) مس (۲۵) رسانایی (۲) رستگار شده‌اند (۲۵) فروتن (۲۵)

۳) شتاب می‌ورزند (۲۵) نباید آندوهگین سازند (۲۵)

۱۱۱. ۱) آن‌ها را می‌بینی (۲۵) ۲) خشمگین نباش (۲۵)

۳) گویا آن‌ها (۲۵) ۴) دور می‌شد (۲۵)

فعل ماضی در جمله دارای «لیت» به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود.

۱۱۲. إِرْضَاءٌ: اسم کَانَ (۲۵) مَنْصُوبٌ (۲۵) غَايَةُ (۲۵) مَرْفُوعٌ (۲۵)

إِنْ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْكُنْ، لَعَلَّ: حروف مشبّهة بالفعل + اسم منصوب + خبر مرفوع

۱۱۳. كُنْزٌ: اسم لا (۲۵) أَشْفَى: خبر لا (۲۵)

۱۱۴. ۱) ترجمه: بسیار دانا (۲۵) نوع «لا»: لای نفی جنس (۲۵)

۲) ترجمه: ناامید نشوید (۲۵) نوع «لا»: لای نفی (۲۵)

لای نفی جنس + اسم

لا نفی + فعل مضارع یا تغییر، سکون یا حذف نون

۱۱۵. ۱) الف) الفعل المزيد الثلاثي: أحسنوا (۲۵) ب) اسم الفاعل: المحسنين (۲۵)

۲) الف) لا در «لا طاقة» (ب) «نا» در تحتلنا و «ما» هر دو درست است (۲۵)

لا تحتلنا ما ... به ما تحمیل نکن آنچه را / «نا» متصل به مضارع مفعول است: «ما» آنچه را هم مفعول است.

۱۱۶. الف) درخواست آموزش کند (۲۵) / ب) آموخته شده (۲۵)

ج) باید بپیمائیم (۲۵) / د) فهمیدی (۲۵)

ه) می‌پذیرفتند (۲۵) / و) بوسیده بودید (۲۵)

ز) بریده شد (۲۵) / ح) بریده شدن (۲۵)

۱۱۷. ۱) مبتدا و مرفوع (۲۵) خبر و مرفوع (۲۵) ۲) مضاف‌الیه و مجرور (۲۵) صفت و مرفوع (۲۵)

۱۱۸. الف) ۱. رِبَتْ (۲۵) ۲. قَصِيْرٌ (۲۵) ۳. ضَلَّ (۲۵) ۴. التَّقَاخُرُ (۲۵) ب) ۱. الصَّحِيْح (۲۵) ۲. الخَطَأُ (۲۵)

۱۱۹. ۱) الفه قيمة الإنسان ما يحسنة. (۲۵) به پُشْتِه اناس بالموتی. (۲۵)

۲) الفه الخطأ (۲۵) به الصَّحِيْح (۲۵)

۳) موتی ≠ احیاء (۲۵)

۱۲۰. ۱) هل تكشَّب واجباتك المدرسية؟ (۲۵) ۲) أذهب لرؤية غرة القدم (۲۵) (می‌تواند پاسخ‌ها متنوع باشد)

پاسخنامه آزمون سطح دشوار درس اول

۱۲۱. ۱) انطوى: به هم پیچیده شد (۲۵) مرصوص: استوار (۲۵)

۱۲۲. ۱) زَقَمٌ = ظَمٌّ (۲۵) / ۲) مِتَّ ≠ حَمٌ (۲۵)

۱۲۳. ۱) الأيدي (۲۵) واژه‌های الرجال: مردان - الآباء: پدران - الأفتات: مادران - البنات: دختران هماهنگ اما الأيدي از اعضای بدن و غیر مرتبط

۲) العصب (۲۵) واژه‌های البخل - الحسد - الكذب - الجهل از ویژگی‌های بد اخلاقی است و واژه الغضب (بی) یا آنها بی‌ارتباط است.

۱۲۴. ۱) جاهل (۲۵) قیوم (۲۵)

۱۲۵. ۱) خداوند به پیامبرش فرمان داد (۲۵) کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند (۲۵) نباید او را آندوهگین سازند (۲۵)

۲) ای کاش باران در فصل زمستان بیارد (۲۵) و درختان سرسبز گردند (۲۵) شاید آلودگی هوا از بین برود. (۲۵)

۳) شاید مشتری در خرید کالاها تردید کند (۲۵) ولی فروشنده او را بر خرید آنها تشویق می‌کند. (۲۵)

۴) برای دانش‌جانشینی نمی‌بایم (۲۵) برای همین گفته شده (۲۵) مردم مردماند (۲۵) و دانشمندان (اهل علم) زندماند (۲۵)

۵) هیچ دردی نیست (۲۵) مگر اینکه دارویش در ماست (۲۵) ای کاش نگاه کنیم (۲۵)

۶) معنی کلمات را در فرهنگ لغت جستجو می‌کنیم (۲۵) شاید در آن نوشته شده باشند. (۲۵)

۱۲۶. ۱. ج (۲۵) فعل ماضی همراه با لیت بصورت ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شود.

۲. ب (۲۵) فعل مضارع همراه با لیت و لعل بصورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۱۲۷. ۱) به ما آموخته‌ای (آموختی) (۲۵) دانشی (۲۵) ۲) می‌بینی (۲۵) گلی (۲۵)

۳) بی‌گناه نمی‌شمارم (۲۵) بسیار فرمان‌دهنده (۲۵)

۱۲۸. ۱) به دست آورده نمی‌شود (۲۵) لا تُدرک فعل مجهول

۲) آن‌ها را می‌شناختند (۲۵) فعلی که اسم نکره را توصیف می‌کند اگر مضارع باشد و فعلی قبل از آن ماضی بصورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود.

۳) ببینم (۲۵) ۴) تپاه نمی‌کند (۲۵)

۱۲۹. الف) اسم حرف مشبّهة (۲۵) منصوب (۲۵) ذو: خبر حرف مشبّهة (۲۵) مرفوع (۲۵)

ی: اسم حرف مشبّهة (۲۵) کنْتُ تَرَأَى خبر حرف مشبّهة (۲۵) إِنْ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْكُنْ، لَعَلَّ: حروف مشبّهة بالفعل + اسم منصوب + خبر مرفوع

۱۳۰. شَيْءٌ: اسم لا (۲۵) أَحْسَنُ، خَيْرًا (۲۵)